

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۴

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
دکتر غلامحسین کوشکی - پیمان دولت‌خواه پاشاکی
۷
- مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث، به مثابه مسئولیت مدنی یا کیفری؟
دکتر نصراله جعفری خسروآبادی - مینا سالمی
۵۷
- رهبری باند مجرمانه و تشدید مجازات
دکتر منصور رحمدل
۸۳
- «تحول» در شناسایی عرف یا «اختراع» عرف؟
دکتر علیرضا باقری ایبانه
۱۰۳
- تحلیل محتوای سریال تلویزیونی کیمیا از منظر خشونت خانوادگی
رابعه نظریور همدانی - دکتر بتول پاکزاد
۱۳۹
- مبانی و قلمرو آموزه‌های کیفرشناسی نوین در زمینه بزهکاری نوجوانان با رویکرد تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا
علی داودی سالستانی - دکتر سید حسین هاشمی
۱۷۱
- رویکرد اسناد بین‌المللی به حقوق بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری
دکتر جمال بیگی - هیوا علی‌پور
۱۹۹
- جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، زمینه‌ها و جلوه‌ها
ایوب نوریان - دکتر غلامرضا محمد نسل - دکتر نادر نوروزی
۲۲۱
- مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۰۷
سحر پورحسن زیوه - دکتر سید ابراهیم قدسی - دکتر حمیدرضا جاویدزاده
۲۴۷





http://jclc.sdil.ac.ir/article_100785.html

مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

دکتر غلامحسن کوشکی* - پیمان دولت خواه پاشاکی**

چکیده:

حمایت از حقوق عمومی و جامعه، استفاده از توقف و بازرسی را در پاره‌ای از موارد به‌ویژه در اماکن عمومی توجیه می‌کند. توقف و بازرسی یکی از ابزار مهم پلیس در جهت اجرای وظایف خود در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به‌شمار می‌آید. این اقدام باید به‌گونه‌ای سازماندهی شود که ضمن حفظ حریم خصوصی، امنیت عمومی را در جامعه حفظ کند. نیل به این مقصد چالش‌های فراوانی از قبیل نادیده گرفتن حریم خصوصی، تکلیف ضابطان از حیث جرم مشهود و غیرمشهود ایجاد کرده است. از این‌رو بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی و استفاده از تجارب کشورهای دیگر به‌منظور ترسیم الگوی مطلوب فرایند توقف و بازرسی ضروری است. در هردو نظام حقوقی اصل محدودیت در انجام توقف و بازرسی به‌رسمیت شناخته شده است. با این حال، جهات قانونی، تشریفات و ضمانت‌اجراهای حسن اجرای توقف و بازرسی در دو نظام حقوقی دارای وجوه اشتراک و افتراقی با یکدیگر هستند. با عنایت به یافته‌های این مقاله، در ایران، جز در مورد جرم مشهود، در سایر موارد ضابطان دادگستری مکلف به اخذ مجوز قضایی‌اند. در انگلستان، افسران صاحب صلاحیت پلیس بر اساس ضابطه ظن معقول و وجود امارات و اطلاعات کافی مجاز به توقف و بازرسی‌اند و در سایر موارد اخذ مجوز قانونی ضروری است. در انگلستان مقررات صریح و شفافی برای پیش از بازرسی از قبیل اعلام هدف بازرسی و قانون و شرایط مورد استناد، هنگام بازرسی از قبیل رعایت احترام و تعیین محدوده بازرسی و پس از بازرسی از قبیل تهیه گزارش از بازرسی چه منجر به دستگیری مظنون بشود یا نشود و تسلیم

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۴، نیمسال دوم ۱۳۹۸
صفحه ۵۶-۷۱، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۵/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

Email: kooshki@atu.ac.ir

ایران، نویسنده مسئول

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه

Email: peyman.d77@gmail.com

طباطبائی، تهران، ایران

نسخه‌ای از آن به مضمون مقرر شده است. در هردو نظام حقوقی به‌منظور حسن اجرای قواعد بازرسی، ضمانت‌اجراهای مدنی، انضباطی و کیفری تدارک دیده شده است، با این وصف در انگلستان به‌صورت دقیق و شفاف‌تر و گسترده‌تر ضمانت‌اجرای بطلان پیش‌بینی شده است. در این نوشتار تلاش می‌شود با تطبیق دو نظام حقوقی با رویکردی تحلیلی و توصیفی نقاط ضعف و قوت دو نظام حقوقی را مشخص و راهکارهای عملی و مفید برای نظام حقوقی ایران پیشنهاد شود.

کلیدواژه‌ها:

توقف، بازرسی، پلیس، اماکن عمومی، حقوق ایران، حقوق انگلستان.

مقدمه

آیین دادرسی کیفری علم و هنر رسیدگی کیفری است و هدف عمده آن پاسداشت حقوق و آزادی‌های شهروندان و حمایت از نظم و امنیت جامعه است. پلیس یکی از کنشگران اصلی فرایند دادرسی کیفری است که نقش برجسته‌ای در تأمین امنیت فردی و عمومی جامعه برعهده دارد و به‌عنوان بازوی اجرایی دستگاه قضا، مقامات قضایی را به‌منظور نیل به اهدافشان در مرحله تحقیقات مقدماتی یاری می‌کند. در همین راستا یکی از اختیاراتی که در نظام‌های گوناگون به پلیس واگذار شده، توقف و بازرسی^۱ در اماکن عمومی است. منظور از توقف و بازرسی، آن دسته از بازرسی‌هایی است که به‌عنوان یک اقدام تحقیقی یا تأمینی و یا به‌عنوان یک اقدام مناسب در برابر جرم آشکار، رأساً توسط پلیس یا به‌موجب دستور مقام قانونی در مواجهه با جرم یا به‌موجب یک اقدام پیشگیرانه و یا با هدف کشف ادله جرم، از اشخاص یا اموال آنها و یا هردو، صورت می‌گیرد و علی‌رغم عدم‌تعریف اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و بسنده کردن به تعریف مصداقی در آیین‌نامه^۲ اماکن عمومی می‌توان اماکن عمومی را آن دسته از اماکن و محل‌هایی اطلاق نمود که عموم مردم و یا قشر خاصی از جامعه به‌منظور انجام فعالیت‌های تولیدی، تجاری، خدماتی، علمی، فرهنگی، سرگرمی و مواصلاتی در آن محل‌ها تردد می‌کنند.

1. Stop and Search

۲. ماده ۲: «اماکن و مؤسسات موضوع این آیین‌نامه به شرح زیر است:

- ۱- هتل‌ها؛ ۲- مسافرخانه‌ها؛ ۳- رستوران‌ها ... ۳۹- آموزشگاه‌های خیاطی، ماشین‌نویسی و آرایشگری.
- تبصره - افتتاح هر نوع امکان و مؤسسه مشابه دیگری در آینده بنا به تشخیص و اعلام شهرداری جمهوری اسلامی ایران مشمول مقررات این آیین‌نامه خواهد بود.»

به‌رغم در تعارض بودن بازرسی‌ها با رعایت حریم خصوصی افراد، اکثر جوامع به‌دلیل مبارزه با بزه‌کاری آن را پذیرفته‌اند اما شایسته است این اختیار در چهارچوبی ضابطه‌مند، قانونی و مطابق با اصول آیین دادرسی کیفری تدوین شود که در عین احترام به حقوق و آزادی شهروندانی که تحت حمایت اصل براءت قرار دارند، به میزانی کارآمد و مناسب باشد که بیشترین مساعدت را به‌منظور پیشگیری و کشف جرم و تأمین نظم و امنیت جامعه به سیستم عدالت کیفری برساند. همچنین ضروری است که تشریفات بازرسی‌ها به‌صورت دقیق و جزئی موردنظر قانونگذار قرار گیرد و از طرف دیگر تمامی اقدامات، از جمله اقدامات غیرقانونی ضابطان باید تحت نظارت کارآمد و مشمول انواع ضمانت‌اجراهای مناسب قرار گیرد؛ زیرا این امر، منجر به افزایش اعتماد افراد جامعه به سیستم عدالت کیفری و دستگاه پلیس می‌شود. باتوجه‌به اینکه حسب تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، گزارش ضابطان به‌عنوان یکی از مستندات علم قاضی است و باتوجه‌به آمارهای کیفی مقامات پلیسی و قضایی در تشریح سهم بسزای توقف و بازرسی در کشف جرم و همچنین از آنجایی که نظام حقوقی انگلستان، نظامی پیشرو در سیستم حقوقی کامن‌لاست و مباحث عینی و تجربی در آن از اهمیت بالایی برخوردار است، از این‌رو به‌منظور استفاده از تجارب این کشور، شایسته است که با مطالعه تطبیقی که هدف آن مقایسه دو نظام حقوقی و رسیدن به نقاط اشتراک و افتراق آنها و استفاده از راه‌حل‌های مطروحه در یک نظام حقوقی در زمان سکوت یا نقص نظام حقوقی دیگر است و نه لزوماً ترجیح و برتری دادن نظام حقوقی بر نظام دیگر، اصول حاکم بر توقف و بازرسی از شهروندان و اموالشان ارائه شود تا هم شهروندان از حقوق خود در مواجهه با موارد غیرقانونی توقف و بازرسی آگاه شوند و همچنین ضابطان قضایی از اصول و ضوابط قانونی لازم‌الاجرا در استفاده از این اختیار قانونی آگاه شوند تا بتوان گامی مثبت در جهت رعایت حقوق شهروندی، پایبندی به اصل براءت و رعایت اصل قانونی بودن دادرسی کیفری برداشته شود. در این‌گذر سؤالات و چالش‌هایی درمورد کیفیت بازرسی‌های پلیسی در حقوق ایران مطرح می‌شود که نگارندگان را به سمت مطالعه تطبیقی بازرسی‌های پلیسی مجاب نموده است. این چالش‌ها و سؤالات عبارت‌اند از: نخست، وضعیت اعتبار بازرسی‌هایی که در مواجهه با جرم غیرمشهود در سطح شهر و یا مدخل‌های ورودی شهرها از شهروندان یا خودروهای آنها توسط پلیس بدون دستور موردی مقام قضایی صورت می‌پذیرد؛ دوم، به‌موجب ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک بازرسی‌ها در جرایم غیرمشهود به‌موجب ایجاد ظن قوی نزد مقام قضایی و قید جهات شکل‌گیری آن در دستور بازرسی‌ها صورت می‌پذیرد و نکته

قابل تحمل در این مورد این است که آیا در بین قضات درک واحدی از ظن قوی وجود دارد و در فرض منفی بودن پاسخ، آیا تفاوت دیدگاه‌ها موجب تفسیر سلیقه‌ای و تضییع حقوق متهمان نمی‌شود؟ سوم، وضعیت حضور شهود در بازرسی پلیسی چگونه است؟ و آیا ضرورتی بر وجود این شهود هنگام بازرسی از اطفال و یا اقشار خاص جامعه نظیر معلولین ذهنی وجود دارد یا خیر؛ چهارم، آیا تشریفات عام بازرسی از اندام جنسی متهمان همانند یک بازرسی عادی است یا اینکه نیازمند رعایت تشریفات خاصی می‌باشد و مورد آخر کیفیت اعتبار گزارش‌های ضابطان در بازرسی‌ها به چه صورت است و آیا آنها از آزادی اختیار در تحصیل دلیل در فرایند بازرسی برخوردارند یا خیر.

شایان ذکر است که پیرامون موضوع «مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، کتاب یا مقالاتی که هم‌پوشانی کامل با موضوع را داشته باشند، موجود نیست اما کتاب‌ها^۳، پایان‌نامه‌ها^۴ و مقالات^۵ مرتبط با موضوع

۳. علی خالقی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵) چاپ سی و یکم، ویرایش دوازدهم، ۲۱۹-۲۱۵؛ علی گل‌محمدی خامنه، *مبانی امور انتظامی* (تهران: معاونت امور آموزشی ناجا، ۱۳۸۶)، ۲۰؛ جعفر صادق‌منش، *ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها)* (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴)، چاپ اول، در ادامه همین اثر با ارجاع به صفحات آن مورد بررسی فرار گرفته است.

در اثر اخیر، نویسنده به صورت مستوفی به بررسی اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های پلیس پرداخته است. نویسنده پس از بیان اصول و مبانی حاکم بر اقدامات ضابطان (فصل نخست) و معرفی ضابطان (فصل دوم) به بررسی وظایف و اختیارات ضابطان (فصل سوم) می‌پردازد. موضوعاتی از جمله وظایف و اختیارات ضابطان در مرحله کشف و تعقیب (ص ۷۷)، ورود به حریم خصوصی برای بازرسی و تفتیش (ص ۹۹)، بازرسی و تفتیش، تکالیف ضابطان در این رابطه و نکات کاربردی در اجرای آن (ص ۱۱۲ الی ۱۱۶) از محورهای مهم این اثر در ارتباط با امر بازرسی‌های پلیسی است که در آنها سعی در بیان اصول و مبانی بحث، مقررات قانونی مرتبط و آرای مرتبط با موضوع شده است. در بخش چهارم این کتاب، مسئولیت‌های ضابطان در رابطه با اختیارات آنها مورد بررسی قرار گرفته است که با وجود بیان مسئولیت‌های کیفری، مدنی و انضباطی، جای خالی پرداختن به ضمانت‌اجرای بی‌اعتباری ادله احساس می‌شود.

Rebekah Delsol, Michael Shiner, *Stop and Search the Anatomy of a Police Power* (London: Palgrave Macmillan, 2015), First Published, 193-196.

در این کتاب موضوع توقف و بازرسی‌های پلیسی به صورت مستوفی در ابعاد مختلف از منظر تاریخی، بحث، وضعیت تقنینی موجود، آیین دادرسی و مباحث جرم‌شناسانه مورد بررسی قرار گرفته است و نویسنده در تلاش است با به تصویر کشیدن چگونگی اجرای توقف و بازرسی‌ها نقاط ضعف و قوت توقف و بازرسی‌ها را با نگاهی منتقدانه به تصویر بکشد؛ شایان ذکر است که ابعاد مرتبط با مباحث آیین دادرسی بازرسی‌ها در حد متون قانونی بیان شده است و از تفسیر عبارات و موارد مبهم متون قانونی اجتناب شده است و این امر موجب می‌شود که اطلاعات خواننده نسبت به موضوع در لایه سطحی و محدود به الفاظ و

فوق‌الذکر، در دسترس است. در تمام آثار موجود به جنبه‌ای از موضوع و آن‌هم نه به‌صورت مفصل و دقیق، پرداخته شده است و پایان‌نامه‌های نوشته‌شده مربوط به حاکمیت قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ است و همچنین در مورد مواردی از جمله بررسی ضمانت‌اجراهای انضباطی و مدنی پلیس، صحبت به‌میان نیامده است، اما در این مقاله سعی می‌شود که ضمن مقایسه و بیان فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در حقوق

عبارات قانونی باشد؛ هرچند که اصول و مبانی مرتبط به موضوع مورد نظر نویسنده بوده است؛ برای مثال در فصل دهم به بررسی مبانی توجیه‌کننده بازرسی‌ها از جمله ضرورت تحقیق و کشف جرم و مبانی بازدارندگی می‌پردازد (ص ۱۹۳ به بعد) و سعی در ارائه تصویر صحیح از مبانی توجیه‌کننده اختیار بازرسی دارد.

Leonard Jason Liyod, *An Introduction to Policing and Police Powers* (Great Britain: Cavendish Publishing, 2005), 27-67.

این کتاب به بررسی اختیارات مختلف پلیس انگلستان از جمله دستگیری مظنونین (فصل سوم)، بازجویی از آنان (فصل ششم) و توقف و بازرسی‌ها (فصل دوم) پرداخته است. نویسنده در این کتاب به تشریح قوانین مختلف که در رابطه با اختیار توقف و بازرسی پلیسی می‌پردازد و در هر مورد سعی در تبیین و تشریح واژه‌ها و اصطلاحات مبهم و اختلافی دارد؛ باین حال، چند نکته مهم در مورد این اثر لازم به ذکر است. نخست، در این کتاب جز ضمانت‌اجرای بطلان ادله آن‌هم به‌صورت مختصر به سایر ضمانت‌اجراهای حسن اجرای بازرسی‌ها پرداخته نشده است. اصول و مبانی حقوقی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است و این امر مانع می‌شود که خواننده به اطلاعات کافی نسبت به مبانی و اصول قانونی بازرسی‌ها دست یابد. همچنین تاکنون نسخه اصلاحی از این اثر ارائه نشده است و مطالب آن به سال ۲۰۰۵ بازمی‌گردد و با عنایت به قوانین تازه تصویب و اصلاحات صورت گرفته نسبت به قوانین موجود، دیگر نمی‌توان از این کتاب به‌عنوان منبعی‌ای به‌روز یاد نمود.

۴. ناهید صادق‌پور، «نقش پلیس در فرایند دادرسی کیفری در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰)، ۴۷-۱۵.

در گفتار نخست و دوم از مبحث نخست فصل اول این پایان‌نامه، ایست و بازرسی‌های پلیسی و بازرسی از اماکن، اشیاء و بازرسی‌های بدنی مورد بررسی قرار گرفته است. در کنار ارائه مطالب سودمند در مورد بازرسی‌ها در حقوق انگلستان، تکیه صرف بر قانون پلیس و ادله ۱۹۸۴ و عدم توجه کافی به سایر قوانین موجود، همچنین عدم توجه به بحث ضمانت‌اجراهای حسن اجرای بازرسی و تشریفات شکلی بازرسی‌ها و همچنین مطالعه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با عنایت به حاکمیت این قانون در زمان نگارش این پایان‌نامه را می‌توان از موارد مورد انتقاد این اثر برشمرد.

۵. محمد فرجی‌ها، محمد مقدسی و امین آقایی، «معیارهای قانونی ناظر بر بازرسی‌های پلیسی در نظام‌های کیفری مختلف»، *فصلنامه علمی - ترویجی کارآگاه* ۱۳(۲) (۱۳۹۱)، ۲۱-۶؛ ابوالحسن شاکری، مسعود قاسمی، «پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان»، *فصلنامه پژوهش‌های دانش‌انظامی* ۱۸(۷۰) (۱۳۹۵)، ۱۰۲-۸۳.

ایران و انگلستان، به نقاط اشتراک و افتراق آنها و استفاده از راه‌حل‌های مطروحه در یک نظام حقوقی در زمان سکوت یا نقص نظام حقوقی دیگر پرداخته شود و وجوه مختلف موضوع تا حد امکان شفاف و نمایان شود و پیشنهادهای مطلوب و مناسب در این رابطه ارائه شود. با عنایت به سؤالات، چالش‌ها و پیشینه مذکور، این مقاله با تدقیق در قوانین موجود، رویه قضایی و دکتترین حقوقی در دو نظام حقوقی درصدد پاسخ به این سؤالات است: نخست، وجوه افتراق و اشتراک توقف و بازرسی پلیسی در امکان عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان کدام‌اند؟ دوم، جهات و موارد قانونی توقف و بازرسی پلیسی در امکان عمومی در حقوق ایران و انگلستان کدام‌اند؟ سوم، ضمانت‌اجرای حسن اجرای توقف و بازرسی پلیسی در حقوق ایران و انگلستان چگونه است؟ چهارم، ظرفیت‌های نظام حقوق انگلستان در امر بازرسی‌ها برای حقوق ایران کدام‌اند؟

به‌منظور پاسخگویی به سؤالات فوق، مطالب این مقاله در ذیل سه گفتار، نخست، جهات قانونی توقف و بازرسی، دوم، تشریفات و سوم، ضمانت‌اجراها ارائه خواهد شد.

۱- جهات قانونی توقف و بازرسی

در گفتار نخست با عنایت به مبنا قرار دادن نظام حقوقی ایران، به بررسی جهات قانونی توقف و بازرسی‌های پلیسی در قالب دو بند؛ بند نخست، جرم مشهود و بند دوم، جرم غیرمشهود پرداخته می‌شود.

۱-۱- جرم مشهود

پیش از ورود به بررسی جهات قانونی بازرسی در مواجهه با جرم مشهود در دو نظام حقوقی ضروری است که به سؤالات ذیل پاسخ داده شود.

نخست، آیا جرم مشهود در نظام حقوقی انگلستان وجود دارد و یا ضابطه‌ای مختص نظام حقوقی ایران است؟ دوم، آیا امکان مقارنه این ضابطه با قوانین موجود در حقوق انگلستان وجود دارد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤالات باید بیان داشت که در نظام حقوقی انگلستان نهادی به نام جرم مشهود وجود ندارد، ولی مستندات دستگیری متهم بدون حکم مقام قضایی در ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان‌یافته شدید ۲۰۰۵^۶ را می‌توان به‌عنوان پاسخی نزدیک به جرم

مشهود در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار داد. به موجب این مقرره، افسر پلیس با درجه ضابط ممکن است هرکسی که در شُرُف ارتکاب جرم قرار دارد، مرتکب جرم شده، ظن معقول به در شُرُف ارتکاب جرم بودن او دارد و هرکسی که ظن معقول به ارتکاب جرم توسط او دارد را بدون حکم جلب، دستگیر کند؛ بنابراین در حقوق انگلستان نهادی به نام جرم مشهود وجود نداشته و صرفاً موارد دستگیری بدون نیاز به حکم مقام قضایی نزدیک به نهاد جرم مشهود است.

بازرسی از اشخاص یا اموال آنها در جرایم مشهود و موارد دستگیری بدون نیاز به حکم مقام قضایی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به عنوان اقدامی مستقل مورد تصریح قانونگذار قرار نگرفته است؛ بنابراین به منظور بیان موارد و مستندات توقف و بازرسی پلیسی در مواجهه با جرایم مشهود نیاز به تحلیل مواد قانونی است.

مطابق قسمت دوم ماده ۴۴ ق.آ.د.ک «... ضابطان در جرایم مشهود تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ ادله، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی به عمل می‌آورند...»؛ بنابراین در فرض وقوع جرم مشهود که مصادیق آن در ماده ۴۵ آ.د.ک ذکر شده است، ضابط با عنایت به اطلاق عبارت «تمام اقدامات لازم» می‌تواند بازرسی از مظنونین را به منظور حفظ ادله، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم به عمل آورد.

اگرچه بازرسی پلیسی به عنوان پاسخی مستقل در موارد بازداشت بدون دستور مقام قضایی مورد تصریح قانونگذار انگلستان قرار نگرفته است، اما قانونگذار در ماده ۳۲ قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ (با اصلاحات بعدی)، بازرسی متعاقب دستگیری را به عنوان یکی از تدابیر قابل استفاده پس از دستگیری‌های پلیسی به صراحت، به رسمیت شناخته و قواعد حاکم بر آن را ترسیم کرده است. به موجب این مقرره، افسر پلیس با حداقل درجه ضابط، چنانچه بر اساس مبانی متعارف و معقول، معتقد باشد که شخص دستگیر شده ممکن است موجب آسیب به خود و یا شخص دیگری شود، می‌تواند او را بازرسی کند.^۷ بازرسی در دو مورد اخیر زمانی قابل پذیرش است که به صورت متعارف برای دسترسی به ادله جرم لازم باشد.

در مقایسه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در مورد بازرسی از اشخاص در مواجهه با جرم مشهود، نظام حقوقی ایران مجوز بازرسی از اشخاص را بدون نیاز به اخذ دستور موردی

7. (1) A constable may search an arrested person, in any case where the person to be searched has been arrested at a place other than a police station, if the constable has reasonable grounds for believing that the arrested person may present a danger to himself or others.

از مقام قضایی به ضابطان اعطاء می‌کند بدون اینکه چنین اقدامی را به‌صراحت به‌عنوان پاسخی در برابر جرم مشهود به‌رسمیت بشناسد و فلذا نیازمند قیاس و تحلیل سایر مواد قانونی هستیم که این امر برخلاف اصول آیین دادرسی کیفری است که اعتقاد بر بیان کوچک‌ترین جزئیات در تمامی اقدامات مجریان قانون دارد و همان‌طور که در سایر مواد آیین دادرسی ملاحظه می‌شود؛ تمام اختیارات مقامات قضایی نظیر بازپرس و دادستان به‌تفصیل معین شده است؛ حال آنکه ضابطان به‌عنوان بازوان اجرایی دستگاه قضایی، حدود اختیاراتشان به‌صورت دقیق مشخص نشده است و قانونگذار وظیفه خود در وضع قوانین استاندارد و بیان دقیق حدود و اختیارات مجریان عدالت کیفری که رابطه مستقیمی با حقوق و آزادی شهروندان دارد را با بیان عبارت کلی انجام «تمام اقدامات لازم»، به شخص مجریان قانون واگذار کرده است که به‌نظر می‌رسد با اصل قانونی بودن دادرسی کیفری^۸ که مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی را هم دربرمی‌گیرد در تعارض آشکار است.^۹ درحالی‌که در نظام حقوقی انگلستان، بازرسی از شخصی که دستگیر شده است به‌عنوان یک اقدام قانونی مورد تصریح و حمایت قانونگذار قرار گرفته است.

۱-۲-۲- جرم غیرمشهود

در این قسمت به بررسی جهات قانونی توقف و بازرسی در جرایم غیرمشهود به ترتیب در حقوق ایران و حقوق انگلستان پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- بازرسی‌ها در جرایم غیرمشهود در حقوق ایران

برخلاف بازرسی‌ها در جرایم مشهود که نیازمند تدقیق و تحلیل مواد قانونی جهت تحصیل جهات قانونی بازرسی‌هاست، در جرایم غیرمشهود، نصوص صریح قانونی‌ای در دسترس است که اگرچه جامع و کامل نیستند اما حداقل بیانگر به‌رسمیت شناختن بازرسی‌های پلیسی از

۸. با عنایت به ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد»، از طرفی، با عنایت به ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری؛ دادرسی کیفری عبارت از «مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی و...» از این‌رو، شایسته است تمام اختیارات مجریان عدالت کیفری در مراحل مختلف از جمله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به‌تفصیل توسط قانونگذار تبیین شود تا بتوان صحبت از قانونی بودن دادرسی کیفری را مطرح نمود.

۹. مهدی مقیمی، مرتضی نیازخانی، «حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس»، مجله

شهروندان و اموال آنها هستند.

مصونیت زندگی خصوصی متهم از جمله بنیادی‌ترین حقوقی است که باید به‌دقت مورد توجه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛^{۱۰} چراکه کوچک‌ترین مسامحه در جمع‌آوری ادله و کشف جرم موجبات تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی متهم را فراهم می‌سازد؛ از این‌رو، قانونگذار در قسمت دوم ماده ۵۵ ق.آ.د.ک اشعار می‌دارد: «... همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازهٔ موردی مقام قضایی است، هرچند وی تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.» از این‌رو، ارجاع کلی مراتب به ضابطان دادگستری، ملازمه با ورود به حریم خصوصی اموال و اشیاء افراد و بازرسی نسبت به آنها نداشته و انجام هریک از مراتب مزبور مستلزم صدور مجوز موردی در چهارچوب قانون از سوی مقام قضایی، اعم از دادستان یا سایر مقامات قضایی مربوطه بوده تا از هرگونه تعرض به حقوق و اموال مردم و نقض حریم خصوصی آنها، جز در موارد مصرحه قانونی جلوگیری به‌عمل آید.^{۱۱}

همچنین به‌موجب ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک^{۱۲}، با حصول ظن قوی بر اساس قرائن و امارات مبنی بر حضور متهم یا کشف آلات و ادله وقوع جرم و با ذکر جهات قوی در پرونده و کسب اجازه‌ی موردی از مقام ذی‌صلاح قضایی، اجازهٔ بازرسی‌ها از اشخاص و اموال آنان برای ضابطان دادگستری امکان‌پذیر می‌شود.

بدین ترتیب ضابطهٔ بازرسی در جرایم غیرمشهود در حقوق ایران را می‌توان حصول ظن قوی بر اساس قرائن و امارات مبنی بر حضور متهم یا کشف آلات و ادله وقوع جرم و با ذکر جهات قوی در پرونده و کسب اجازهٔ موردی از مقام ذی‌صلاح قضایی دانست و در فرض عدم رعایت شرایط مذکور، مجوز بازرسی از اشخاص و اشیاء آنان وجود نخواهد داشت.

۱۰. منصور رحمدل، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۷۰(۰) (۱۳۸۴)، ۱۲۰.

۱۱. جعفر کوشا، مصطفی پاک‌نیت، «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری ۸۱(۹۷) (۱۳۹۶)، ۴۵.

۱۲. ماده ۱۳۷: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.»

۱-۲-۲- بازرسی در جرایم غیرمشهود در حقوق انگلستان

نظام حقوقی انگلستان در تبیین سیاست‌های تقنینی خود در قبال توقف و بازرسی در فرض عدم وقوع جرم در منظر پلیس سعی بر توجه به مقتضیات جامعه دارد. نتیجه این امر، تخصیص دو ضابطه قانونی متفاوت به منظور توقف و بازرسی است. نخست، توقف و بازرسی بر مبنای وجود ظن معقول؛ و دوم، توقف و بازرسی با اخذ مجوز از مقام ارشد پلیس. با این حال، این گزاره بدین معنا نیست که بازرسی در فرض اخیر نیاز به ظن معقول ندارد، بلکه مرجعی که ظن معقول در نزد آن شکل می‌گیرد، افسر ارشد پلیس است که پس از حصول ظن معقول، مجوز توقف و بازرسی را صادر می‌کند.

توقف و بازرسی بر مبنای ظن معقول مشتمل بر بازرسی‌ها به موجب قوانین ذیل است: ماده ۱ قانون پلیس و ادله کیفری سال ۱۹۸۴^{۱۳}، ماده ۴۷ قانون سلاح گرم سال ۱۹۶۸^{۱۴}، بند دوم ماده ۲۴(B) قانون امنیت هوایی سال ۱۹۸۲^{۱۵}، ماده ۲۳ قانون استفاده نادرست مواد مخدر سال ۱۹۷۱^{۱۶} و ماده ۴۳ قانون تروریست سال ۲۰۰۰^{۱۷}؛ و قوانینی که به موجب آنها توقف و بازرسی‌های پلیسی با اخذ مجوز از مقام ارشد پلیس صورت می‌گیرد، عبارت‌اند از: ماده ۶۰AA قانون عدالت کیفری و نظم عمومی سال ۱۹۹۴^{۱۸} و ماده ۴۷(A) جایگزین ماده ۴۴ قانون تروریست سال ۲۰۰۰ و پاراگراف هفتم و هشتم جدول شماره هفت قانون تروریست سال ۲۰۰۰.

به عنوان نمونه‌ای از این قوانین، مطابق ماده ۱ قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ اگر افسر پلیس ظن معقول نسبت به حمل کالای مسروقه یا کالای ممنوعه توسط شخص یا وسیله نقلیه‌ای پیدا کند، می‌تواند آن شخص یا وسیله نقلیه و تمام افراد داخل آن را متوقف کرده و مورد بازرسی قرار دهد و در فرض کشف اموال مسروقه یا ممنوعه آنها را ضبط کند.

با عنایت به مطالب بالا، ملاحظه می‌شود که صدور مجوز بازرسی توسط مقام قانونی در نظام حقوقی ایران به موجب جرایم غیرمشهود و در نظام حقوقی انگلستان در فرض تشخیص مقام ارشد پلیس به موجب قوانین مختلف از جمله جهات قانونی مشترک توقف و بازرسی در هردو نظام حقوقی ایران و انگلستان محسوب می‌شود، با این تفاوت که صدور مجوز بازرسی

13. Police and Criminal Evidence Act 1984

14. Firearms Act 1968

15. Aviation Security Act 1982

16. Misuse of Drugs Act 1971

17. Terrorism Act 2000

18. Criminal Justice and Public Order Act 1994

به موجب جرایم غیرمشهود، توسط مقام قضایی و صدور مجوز بازرسی در نظام حقوقی انگلستان توسط مقام ارشد پلیس بر مبنای ایجاد ظن معقول به وقوع جرم یا احتمال جرم نزد وی، صورت می‌گیرد که شاید بتوان دلایل تفاوت مرجع صدور این مجوز را در فقدان مرجع قضایی تحقیق (بازپرس) در حقوق انگلستان و به تبع آن اختیارات پررنگ و برجسته پلیس در نظام‌های حقوقی کامن‌لا جست‌وجو نمود.

۱-۲-۳- تبیین مؤلفه بازرسی‌ها در ایران و انگلستان

ملاحظه شد که صدور دستور بازرسی‌ها به موجب جرایم غیرمشهود در نظام حقوق ایران، مشروط به حصول ظن قوی توسط مرجع قضایی است و در حقوق انگلستان پیش شرط بازرسی‌ها در فرض جرم غیرمشهود، حصول ظن معقول نزد پلیس و یا مقام ارشد پلیسی است. حال، سؤالی که در مورد دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مطرح می‌شود این است که منظور از «ظن قوی» و «ظن معقول» چیست؟ آیا در قوانین و رویه قضایی دو کشور تعریفی از آنها ارائه شده است؟

با عنایت به بند ۱-۱-۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یکی از شروط سلب آزادی، «حصول ظن (معقول) به ارتکاب جرم» توسط مرتکب است. تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از عبارت «ظن معقول» در بند سوم پاراگراف اول ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که ظن مورد نیاز به منظور بازداشت موقت که نوعی محدودیت بر آزادی شهروندان محسوب می‌شود را ظن معقولی می‌داند که با عنایت به وقایع و اطلاعات موجود یک مشاهده‌کننده عینی‌گرا را متقاعد به احتمال ارتکاب جرم از جانب مظنون می‌کند.^{۱۹}

در ادبیات حقوقی، معیار ظنی که معقول (قوی) باشد، با عنایت به هر نظام حقوقی، دارای استانداردهای متفاوتی است اما می‌توان گفت ظن، درجه اطمینان ذهنی کمتری از قطع و یقین است، بنابراین لوازم کمتری نیز برای ایجاد آن در یک شخص متعارف مورد نیاز است. همان‌گونه که لرد دولین^{۲۰} در زمان تسلیم نظر هیئت مشاوران سلطنتی^{۲۱} در پرونده شعبان

۱۹. محمد آشوری، حقوق کیفری شورای اروپا (تهران: نشر گرایش، ۱۳۹۴)، ۴۸۶-۴۸۵.

20. Lord Devlin

۲۱. Privy Council مخفف عبارت Her Majesty's Most Honorable Privy Council است. این هیئت به‌عنوان نهادی رسمی جهت ارائه مشاوره به دولت بریتانیاست که از اعضای فعلی و پیشین هیئت عوام و اعیان تشکیل می‌شود. همچنین این نهاد وظیفه قضایی دارد و در مورد پرونده‌های ارائه‌شده در کمیسیون قضایی خود، تصمیم‌گیری می‌کند و همچنین به‌عنوان مرجع تجدیدنظر عالی در بریتانیا و برخی

بن حسین علیه چونک فوک کام^{۲۲} در سال ۱۹۷۰ روشنگری کرد، نیازی نیست که ظن معقول مبتنی بر چیزهایی باشد که به‌عنوان ادله در دادگاه قابل‌پذیرش هستند؛ در واقع به چیزی کمتر از ادله محکمه‌پسند نیاز است.^{۲۳}

۱-۳-۲-۱- ظن قوی

در قانون آیین دادرسی کیفری، نظرات مشورتی اداره حقوقی و آرای وحدت رویه ظن قوی مورد تبیین قرار نگرفته است و صرفاً در نگاه دکتین حقوقی، در شکل‌گیری ظن قوی، تجارب و قدرت استنباط علمی - قضایی قضات و ضابطان نقش مهمی ایفاء می‌کنند.^{۲۴} در رویه عملی^{۲۵} ظن قوی ضابطه‌ای اختلافی محسوب می‌شود و می‌تواند دو دیدگاه در مورد آن مطرح نمود.

دیدگاه مختلط (عینی - شخصی): از نظر برخی از مقامات قضایی ظن قوی با معیار شخصی و دانش و تجربه مقام قضایی احراز می‌شود. در عین حال مقامات قضایی تأکید به قابل‌پذیرش عرفی و متعارف بودن این جهات هم دارند. در نظر مقامات قضایی جهات موضوعی هر پرونده از جمله گزارش ضابط، تحقیقات محلی و ... می‌تواند از جمله جهات تقویت‌کننده ظن نزد مقام قضایی تلقی شود، در عین حال ادعان دارند ممکن است آنچه نزدیک مقام قضایی ظن قوی تلقی می‌شود نزد مرجع قضایی دیگر ظن قوی تلقی نشود.

دیدگاه عینی: عده‌ای دیگر از مقامات قضایی تأکید بر عینی بودن جهات، به‌منظور تحصیل ظن قوی دارند. طرفداران این نظر، ادله موجود در هر پرونده را تشکیل‌دهنده ظن قوی می‌دانند. این گروه معتقدند عدم‌اکتفاء به معیار عینی با هدف کشف جرم مغایرت دارد فلذا باید به اعتبار و قابلیت اطمینان به این جهات از منظر عینی بسنده کرد. این گروه از

کشورهای مشترک‌المنافع شناخته می‌شود. پرونده مورد نظر به‌موجب پرونده‌ای در کشور مالزی توسط هیئت مشاوران سلطنتی مورد رسیدگی قرار گرفته است.

22. Hussien v Chong Fook Kam: PC 7 OCT 1969 in Malaysia.

۲۳. برای مطالعه بیشتر این پرونده، نک:

“Hussien v Chong Fook Kam: PC 7 Oct 1969,” Swarb, Last Modified July 15, 2019, <http://swarb.co.uk/hussien-v-chong-fook-kam-pc-7-oct-1969>.

۲۴. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹)، جلد دوم، ۱۷۶.

۲۵. رویه عملی مورد استناد طی مصاحبه کتبی با مقامات قضایی دادسرای شهرستان فردیس استان البرز مشتمل بر معاون دادستان، دادیارهای اظهار نظر و باز پرس شعبه هفتم در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۲ ارائه شده است. همچنین به‌منظور تحقیقات تکمیلی از شعبه سی و هشتم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان مجتمع شماره ۳ مصاحبه به‌عمل آمده است.

مقام‌های قضایی معتقدند برای احراز ظن قوی باید از ضابطان که بازوان اجرایی دادسرا محسوب می‌شوند و عملاً اجرای تحقیقات مقدماتی به‌وسیله آنها صورت می‌گیرد، باید برحسب هر پرونده سؤالاتی از جمله اینکه منابع اطلاعاتی آنها چه چیزی بوده یا مخبر آنها چه کسی بوده و سؤالاتی از این دست پرسیده شود تا به عبارتی گزارش کاملی از پرونده نزد آنها شکل بگیرد و باتوجه به این اطلاعات احراز می‌کنند که جهات قوی که نوعاً پیش‌شرط صدور دستور بازرسی از اشخاص، اموال و وسایل نقلیه است، شکل گرفته است یا خیر.

با عنایت به مطالب فوق به‌نظر می‌رسد که ظن قوی با عنایت به دلایل ذیل معیاری نوعی محسوب می‌شود.

نخست، مراتب مختلف علم و آگاهی عبارت‌اند از جهل، وهم، شک، ظن، اقناع وجدانی و یقین. ظن احتمال قوی در برخورد با وقایع و امور محتمل است و می‌توان قوی بودن این ظن را در نوعی و متعارف بودن آن معنا کرد و معتقد بود که منظور از قوی بودن ظن، آن میزان از اعتماد و اطمینان به اطلاعات واصله است که هر انسان نوعی هم در برخورد به این اطلاعات به نتیجه مشابه خواهد رسید و باید آن را با ظن نوعی^{۲۶} در فقه برابر دانست؛

دوم، از خصایص مهم تحقیقات مقدماتی سرعت در انجام این اقدامات است و از آنجایی که در کلیه اقدامات ذیل این عنوان از جمله تصمیم‌گیری درمورد بازرسی‌ها و انجام آن، نیازمند سرعت عمل است بنابراین اکتفاء به معیارهای نوعی برای حصول ظن قوی می‌تواند ضامن سرعت عمل در تحقیقات مقدماتی شود.

۱-۲-۳-۲- ظن معقول

در حقوق انگلستان ظن معقول توسط آیین‌نامه اجرایی A قانون پلیس و ادله کیفری مورد تبیین قرار گرفته است. به‌موجب پاراگراف ۲، ۲ آیین‌نامه اجرایی (A):

«ظن معقول و متعارف باید مبتنی بر مبانی معقول باشد، یعنی ضابطان دلایل منطقی برای مظنون شدن به یکی از مواردی که اجازه توقف و بازرسی از اشخاص را به آنها می‌دهد، پیدا کنند. این ضابطه طبق شرایط خاص هر مورد باید اعمال شود و مشتمل بر دو بخش است. نخست، ایجاد ظن واقعی در ذهن افسر پلیس مبنی بر کشف اهداف موردنظر قانونی که

۲۶. ظن نوعی یا شأنی عبارت است از ظن به‌دست‌آمده از قرائن و اماراتی که برای توده مردم شأنتی ظن‌آوری دارد؛ هرچند برای فردی خاص ظن‌آور نباشد، مانند ظن حاصل از خبر تکه و شهرت یا دیگر امارات. کتابخانه مدرسه فقهات، <http://lib.eshia.ir/13055/1/161> (آخرین بازدید ۱۱ خرداد ۱۳۹۷).

به‌موجب آن اجازه توقف و بازرسی به او داده شده است. (به‌عنوان مثال اموال مسروقه و یا سلاح مجرمانه به‌موجب بخش نخست قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴)؛ دوم، چنین ظنی باید معقول باشد، بدین‌معنا که متشکل از حقایق، آگاهی و اطلاعات مرتبط با موضوع باشد که احتمال آن را می‌دهد اهداف موردنظر بازرسی پیدا خواهد شد، به‌گونه‌ای که یک شخص معقول هم با توجه به همین حقایق، آگاهی و اطلاعات به چنین نتیجه مشابه‌ای برسد.»

از دیدگاه دکتربین حقوق انگلستان، ظن معقول؛ معیاری عینی است (حقایق و اوضاع و احوالی) که انسان نوعی و متعارف در فرض پرونده موردنظر، به ظن یا باور معقول به وقوع جرم و یا کشف ادله جرم به‌موجب بازرسی از فرد مظنون می‌اندازد^{۲۷}؛ بنابراین، این تعریف و تعریف رویه‌ای ارائه‌شده در حقوق ایران، همسو با تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از عبارت «ظن معقول» در بند سوم پاراگراف اول ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که ظن موردنیاز به‌منظور بازداشت موقت را ظن معقولی می‌داند که با عنایت به وقایع و اطلاعات موجود یک مشاهده‌کننده عینی‌گرا را متقاعد به احتمال ارتکاب جرم از جانب مظنون می‌کند^{۲۸} و از این‌رو، با ضابطه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز همسوست.

در حقوق انگلستان ظن معقول هرگز بر اساس مؤلفه‌های شخصی شکل نمی‌گیرد. به عبارت بهتر تا زمانی که آگاهی و اطلاعاتی بازرسی را موجه نکند، صرفاً به اعتبار اماراتی نظیر ظاهر فیزیکی شخص، نژاد (برای مثال سیاه‌پوست)، مذهب (برای مثال مسلمان بودن)، جنسیت و گرایش جنسی و محکومیت قبلی شخص امکان بازرسی از او وجود ندارد.^{۲۹} همچنین، ظن معقول به‌طور معمول از اطلاعات دقیق و به‌روز که می‌تواند بر اساس گزارش‌های مردم و یا افسران باشد، شکل می‌گیرد.^{۳۰}

در اعتبارسنجی این مؤلفه، به‌نظر می‌رسد در عمل، پلیس انگلستان به دلایل مختلف از جمله عدم‌دریافت آموزش کافی، نهادینه شدن تبعیض نژادی، تبلیغ رسانه علیه اقلیت‌های مذهبی و یا مزاحم و ناکارآمد دانستن قوانین بازرسی با ضرورت کشف جرم، چندان تمایل به رعایت موازین قانونی ندارد و دچار آفت مظنون‌گیری بی‌ضابطه شده‌اند^{۳۱}، امری که در حقوق

27. Leonard Jason Liyod, *An Introduction to Policing and Police Powers* (Britain: Cavendish Publishing, 2005), 55.

۲۸. محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین (تهران: نشر گرایش، ۱۳۹۴)، ۷۴.

29. See: para2,2(B) Code of Practice (A) 2015.

30. See: para2,4 Code of Practice (A) 2015.

31. Ben Bowling and Coretta, "Disproportionate and Discriminatory: Reviewing the Evidence on Police Stop and Search," *The Modern Law Review Limited* 70(6) (2007): 941.

ایران هم جاری است و در عمل جای رعایت تشریفاتی از قبیل اخذ مجوز بازرسی را گرفته است. اثبات این ادعا را می‌توان در آمارهای موفقیت در کشف جرم باتوجه‌به میزان بازرسی‌های صورت‌گرفته یا میزان فزاینده بازرسی از اقلیت‌های نژادی و مذهبی در مقایسه با اکثریت نژادی و مذهبی جامعه جستجو کرد. برای مثال در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶، ۲۹۸،۹۴۹ مورد ایست و بازرسی در انگلستان صورت گرفته است. از این میان، ۱۳۷،۵۵۳ مورد آن در کلان‌شهر لندن به‌موجب ماده ۱ قانون پلیس و ادله کیفری انجام شده است که تنها ۱۷ درصد منجر به دستگیری فرد مظنون شده است. همچنین از مجموع کل بازرسی میزان بازرسی سیاه‌پوستان نسبت به سفیدپوستان ۲۹ به ۴ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده است و میزان ایست و بازرسی از مسلمانان ۵۹۵۱ مورد بوده است که نسبت به سایر ادیان ۳،۲ درصد بیشتر می‌باشد. این آمار بیانگر دو موضع مهم است. نخست، قوانین بازرسی‌ها در انگلستان به‌اندازه کافی شفاف و کارآمد نیستند که با این میزان از عدم موفقیت در به نتیجه رسیدن بازرسی‌ها مواجه هستیم؛ و دوم، عوامل بیرونی یادشده نظیر فشار رسانه و سیاسی و نهادینه شدن تبعیض‌های نژادی مانع اجرای صحیح قوانین می‌شوند. از همین رو دیوید لمی، نماینده حزب کارگر بریتانیا و رئیس بخش بازبینی تبعیض نژادی در نظام عدالت کیفری، ضمن شوک‌آور بودن این آمار معتقد است که نیاز جدی به بازبینی قوانین و آموزش پلیس احساس می‌شود زیرا نمی‌توان برای هر قومیت نژادی، پلیس خاصی در نظر گرفت.^{۳۲}

۱-۲-۳-۳- وجوه افتراق و اشتراک معیارهای بازرسی

با عنایت به مطالب ارائه‌شده، وجوه افتراق و اشتراک ظن قوی و ظن معقول در موارد ذیل ارائه می‌شود:

نخست، هردو ضابطه در حقوق ایران و انگلستان بر مبنای معیار عینی شکل می‌گیرند با این توضیح که در حقوق انگلستان صراحتاً این موضوع در آیین‌نامه اجرایی (A) مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است؛ در حالی که در حقوق ایران با وجود اختلاف نظر، بر اساس مبانی حقوق کیفری، معیار عینی ملاک تصمیم‌گیری مقامات قضایی محسوب می‌شود؛

۳۲. آمار و اطلاعات ارائه‌شده از نشانی‌های اینترنتی ذیل اخذ شده‌اند:

“Stop and Search Eight Times More Likely to Target Black People,” The Guardian, Last Visited September 29, 2018, <https://www.theguardian.com/law/2017/oct/26/stop-and-search-eight-times-more-likely-to-target-black-people>.

“Stop and Search,” Ethnicity Facts and Figures, Last Visited September 29, 2018, www.ethnicity-facts-figures.service.gov.uk/crime-justice-and-the-law/policing/stop-and-search/latest.

دوم، ظن قوی نزد مقام قضایی شکل می‌گیرد درحالی‌که مرجع شکل‌گیری ظن معقول در حقوق انگلستان به دلیل فقدان مرجع قضایی تحقیق (بازپرس)، نزد پلیس و در انگلستان در موارد انجام بازرسی با دستور مقام ارشد پلیسی نزد افسر ارشد پلیس شکل می‌گیرد؛ سوم، منابع تشکیل‌دهنده ظن قوی در حقوق ایران نامشخص است و امری است که به مقام قضایی واگذار شده است که تعیین کند چه اطلاعات و آمار به‌عنوان منبعی معتبر و قابل‌استناد برای شکل‌گیری ظن قوی قابل‌پذیرش است؛ درحالی‌که منابع تشکیل‌دهنده ظن معقول در حقوق انگلستان به‌صراحت در آیین اجرایی (A) موردتصریح قرار گرفته است که زمینه‌های تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای را محدود می‌کند؛

چهارم، ظن قوی به‌عنوان معیاری برای صدور دستور بازرسی در ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک موردتصریح قانونگذار قرار گرفته است، درحالی‌که بازرسی‌ها بر مبنای ظن معقول هم رأساً توسط پلیس در انگلستان و هم به‌موجب دستور کتبی مقام ارشد پلیسی در انگلستان انجام می‌شود.

۲- تشریفات توقف و بازرسی‌ها

توقف و بازرسی از افراد یکی از نهادهای قانونی است که منتهی به سلب حق آزادی رفت‌وآمد فرد شده و آزادی وی را هرچند برای مدتی کوتاه محدود و خدشه‌دار می‌نماید. با شروع بازرسی، حسب مورد مظنون یا متهم درمقابل جامعه و نمایندگان آن یعنی ضابطین دادگستری قرار می‌گیرد و مسلماً قدرت و امکانات جامعه بر متهم می‌چربد و توازن بین این دو برقرار نیست. در راستای تضمین یک دادرسی منصفانه و نیز در راستای پیشگیری از نقض حقوق انسانی متهم به جرم در قوانین آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف تضمین‌هایی در غالب تشریفات قانونی بازرسی‌ها گنجانده شده‌اند. در واقع چنین تشریفات نهائماً در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی پیش‌بینی شده‌اند؛ زیرا حقوق و آزادی‌های فردی چنان اساسی انگاشته می‌شوند که با سلب غیرقانونی و خودسرانه آنها سایر حقوق بنیادین نیز فاقد معنا لحاظ خواهند شد.^{۳۳} با عنایت به مطالب مذکور، ضروری است که توقف و بازرسی از اشخاص دارای ضوابط و تشریفات واضح و مشخص باشد تا حقوق و آزادی‌های شهروندان به‌نحو مطلوبی موردپاسداشت قرار بگیرند. این تشریفات در راستای مباحث مربوط به

۳۳. الهام حیدری، «حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان»، دیدگاه‌های حقوق قضایی ۲۰(۷۱) (۱۳۹۴)، ۲۹.

بازرسی‌ها در قالب سه مورد، تشریفات پیش از بازرسی، تشریفات حین و پس از بازرسی موردبررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱- تشریفات پیش از بازرسی

پیش از مبادرت به بازرسی‌ها، دو اصل مهم باید موردتوجه مجریان عدالت کیفری قرار بگیرد، قانون‌مداری و ضروری و مقتضی بودن اقدامات که به کار بستن این دو اصل منجر به تضمین دادرسی منصفانه، احترام به حقوق شهروندان و درعین‌حال تأمین حقوق و منافع جامعه می‌شود. به‌دلیل پیوند عملی قانون‌مداری و تشریفات حین اجرای بازرسی‌ها، این اصل در بند بعدی موردبررسی قرار می‌گیرد، اما اصل ضرورت و مقتضی بودن عمل؛ دلالت بر توجه به ضروری و مقتضی بودن بازرسی (به‌طور کلی‌تر، هر اقدام پلیسی) با عنایت به اوضاع‌واحوال هر پرونده دارد. تمام اختیاراتی که ضابطان از آنها بهره‌مند هستند، از دیدگاه قانونگذار برای افزایش کارایی آنها ضروری فرض شده است؛ اما استفاده از هر کدام از این اختیارات نمی‌تواند به‌صورت دلخواه و خودسرانه باشد بلکه ضرورت اوضاع‌واحوال هر مورد باید توسل به هر کدام از آنها را لازم بداند. به همین دلیل، قانونگذار با ذکر عبارت «تمام اقدامات لازم» در ماده ۴۴ ق.آ.دک، بر این نکته تأکید داشته که هر اقدام ضابط، باید برای جلوگیری از محو آثار و علائم جرم و فرار متهم ضروری باشد^{۳۴} همچنین به‌نحو ضمنی اشاره به‌قاعده‌الاسهل فالاسهل نیز دارد. لذا اگر دستیابی به آن اهداف با اقداماتی خفیف‌تر امکان‌پذیر باشد، باید نخست دست به اقدامی زد که کمترین خسارت و ضرر را دربردارد.^{۳۵}

درمورد بازرسی هم این ضرورت در ماده ۱۳۹ ق.آ.دک در نظر گرفته شده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.» در حقوق انگلستان به‌دلیل ضابطه‌مندی تمام اختیارات پلیسی و تخصیص آیین‌نامه‌های اجرایی برای هر کدام از آنها و تبیین نحوه استفاده از هر کدام از اختیارات پلیسی، می‌توان ضرورت و مقتضی بودن هر کدام از اقدامات پلیسی را در فرضی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، برداشت نمود. قانونگذار ضرورت توقف بازرسی‌ها را این‌گونه توجیه می‌کند که هدف اولیه از توقف و بازرسی‌های پلیسی توانمند ساختن پلیس

۳۴. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، پیشین، جلد نخست، ۷۹.

۳۵. عادل ساریخانی، «پلیس و کشف جرم در حریم خصوصی»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی

۱۲(۱) (بهار ۱۳۹۶)، ۱۵۵.

به‌منظور کاهش سوءظن یا برعکس تقویت آن نسبت به افراد بدون استفاده از اختیار بازداشت^{۳۶} است و همچنین به منصفانه بودن آن تأکید دارد.^{۳۷}

۲-۱-۱- تشریفات پیش از بازرسی در حقوق ایران

ازجمله تشریفات مهم پیش از بازرسی‌ها در حقوق ایران، داشتن شرایط ماده ۳۰ ق.آ.د.ک؛ کارت ضابطیت، وثاقت، مورداعتماد بودن و فراگیری مهارت‌های لازم است. مورد بعدی لزوم ارائه کارت ضابطیت دادگستری قبل از بازرسی به فرد بازرسی‌شونده است، این مورد با قیاس از ماده ۵۸ ق.آ.د.ک^{۳۸} که از لزوم ارائه کارت ضابطیت در جرایم غیرمشهود پیش از ورود به منزل و ... سخن به‌میان می‌آورد، قابل‌استنتاج است. همچنین به‌عنوان قاعده‌ای عمومی برابر دستورالعمل رسمی نیروی انتظامی، کلیه مأموران این نیرو، چه با لباس نظامی و چه با لباس شخصی، حتی بدون درخواست فردی که موردبازرسی قرار می‌گیرد، مکلف به ارائه نشان و کارت شناسایی خود هستند.^{۳۹}

بازرسی از اشیاء و اشیاء در جرایم غیرمشهود باید به‌موجب دستور و اجازه مقام قضایی صورت بگیرد. این دستور صادرشده باید مقید به ویژگی‌هایی باشد تا بتوان به آن عنوان دستور اطلاق کرد. نخست اینکه باید متضمن جهات ظن قوی منجر به صدور دستور باشد (ماده ۱۳۷)، موردی بودن آن از ماده ۱۴۱ ق.آ.د.ک قابل‌استنباط است که منظور تصریح به موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات بازرسی و مشخصات اشیاء موضوع بازرسی است^{۴۰} بنابراین صدور دستورهای کلی مبنی بر بازرسی بدون ذکر مشخصات

۳۶. نک: بند (۱،۴) آیین‌نامه اجرایی.

۳۷. بند (۱،۱) آیین‌نامه اجرایی: «اختیار توقف و بازرسی باید منصفانه و مسئولانه توأم با احترام به افرادی که مورد بازرسی قرار می‌گیرند بدون اعمال تبعیض غیرقانونی صورت بگیرد.»

۳۸. ماده ۵۸: «ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت‌مجلس قید نمایند و به امضای شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت‌مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.»

۳۹. «۲۱ راه برای اینکه طعمه مأمورنماها نشویم؟! / قدم اول، مطالبه حقوق شهروندی و احراز هویت مأمور»، خیرآنلاین، آخرین بازدید ۱۳۹۶/۰۳/۰۳.

<https://www.khabaronline.ir/detail/405586/society/Police>

«مأموران پلیس موظف به ارائه کارت شناسایی هستند»، خبرگزاری فارس، آخرین بازدید ۱۳۹۶/۰۳/۰۳. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920808000980>

۴۰. علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

افراد یا اشخاصی که باید موردبازرسی قرار بگیرند، ممنوع و تخلف انتظامی محسوب می‌شود. همچنین مطابق ماده ۳۴ ق.آ.د.ک دستور مقام قضایی به ضابطان دادگستری باید کتبی، صریح و با قید مهلت باشد. البته قانونگذار شرایط خاص و استثنایی را در نظر داشته و برای مرتبه نخست امکان صدور دستور شفاهی را پیش‌بینی کرده است، اما به دلیل استثنائی بودن آن، نباید به رویه تبدیل شود.^{۴۱} صدور دستور شفاهی تنها با دو شرط امکان‌پذیر است؛ یکی لزوم فوریت اجرای دستور و دیگری مقدور نبودن صدور دستور کتبی در آن شرایط. فوریت امری نسبی است که تشخیص آن مسلماً با مقام صادرکننده دستور؛ یعنی مقام قضایی است. پس از ذکر ویژگی‌های یک دستور قانونی برای بازرسی، به ذکر یک مورد از رویه عملی و قضایی در این موضوع پرداخته می‌شود تا میزان تطابق واقعیت‌های بیرونی با واقعیت قانونی بازرسی‌ها بهتر مشخص شود.

در پرونده کشف بیست کیلو تریاک در ناحیه فردیس کرج، پس از اینکه مقامات قضایی از ناحیه مخبران ضابطان مطلع به حمل مواد مخدر توسط خودروی پازن قرمز رنگ می‌شوند، مقام قضایی دستور توقف کلیه خودروهای پازن قرمز رنگ را در محدوده معینی صادر می‌کند، ضابط دادگستری که محموله تریاک را کشف می‌کند، در گزارش خود اظهار می‌دارد که خودروی فولکس‌واگن را متوقف کرده است و محموله تریاک را از داخل آن کشف کرده است، پس از کسب اطلاع ضابطان از مخبران خود، آنها متوجه می‌شوند که مخبر در تشخیص نوع خودرو اشتباه کرده است و همچنین ضابط هم در تشخیص خودروی پازن دچار اشتباه شده است ولی برحسب اتفاق آن خودرویی که متوقف کرده است همان خودروی حامل تریاک بوده است.

در این مورد اگرچه باتوجه به فوریت امر مشکلی از لحاظ صدور دستور شفاهی دیده نمی‌شود، اما از لحاظ عدم ذکر اینکه خودرو چه کسی باید موردبازرسی قرار بگیرد و همچنین مقید نبودن دستور صادره به تعداد دفعات معین، از منظر قانونی محل ایراد است.^{۴۲}

حقوقی شهر دانش، (۱۳۹۵)، ۱۶۹.

۴۱. همانجا.

۴۲. اطلاعات ارائه شده از طریق مصاحبه با یکی از دادیاران اظهارنظر دادرسی شهرستان فردیس در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۴ به دست آمده است.

۲-۱-۲- تشریفات پیش از بازرسی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان همان‌طور که در پرونده «فِنلی»^{۴۳} مطرح شده و با عنایت به نکته ششم آیین‌نامه اجرایی (A) در تمام توقف و بازرسی‌ها چه به‌موجب قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ چه به‌موجب سایر قوانین، باید مقررات آیین‌نامه اجرایی (A) رعایت شود و ضمانت‌اجرای عدم‌رعایت قوانین، بی‌اعتباری بازرسی‌های صورت‌گرفته و ضمانت‌اجراهای کیفری، مدنی و انضباطی است.^{۴۴}

در حقوق انگلستان تشریفات کیفری در بازرسی‌ها ملزم به رعایت آن است، به‌موجب بند دوم و سوم از بخش دوم قانون پلیس و ادله کیفری و همچنین بند هشتم از بخش سوم آیین‌نامه اجرایی احصاء شده است که عبارت‌اند از:

افسر پلیس موظف است قبل از شروع به بازرسی اگر لباس فرم بر تن ندارد ابتدا کارت شناسایی خود را به فرد متوقف‌شده نشان دهد، در گام بعدی اجازه بازرسی از افراد یا اموال آنان را پیدا می‌کند که آن هم نیازمند رعایت تشریفات است. از جمله این تشریفات بیان این مطلب است که شخص مظنون با هدف بازرسی متوقف شده است. مورد بعدی، معرفی مشخصات خود و نام ایستگاه پلیس متبوع است و سپس باید قانونی که به‌موجب آن بازرسی صورت می‌گیرد، علت مشکوک شدن به او و اهدافی که در بازرسی به‌دنبال آن می‌باشد را به مظنون اعلام کند و در آخر به وی متذکر شود که می‌تواند نسخه‌ای از گزارش بازرسی صورت‌گرفته را ظرف مدت سه ماه با تحویل رسیدی که به او داده می‌شود، دریافت کند و یا در صورت امکان، یک نسخه از گزارش بازرسی صورت‌گرفته به او تسلیم کند. همچنین در مواردی که بازرسی نیاز به اخذ مجوز از مقام ارشد پلیسی دارد، دستور صادره توسط مقام ارشد پلیس باید مقید به استانداردها و مؤلفه‌هایی باشد که اگرچه با عنایت به قوانین مختلف نمی‌توان ضابطه‌ای دقیق و معین برای آن برشمرد اما تمامی این دستورها دارای وجوه مشترکی از جمله صدور بر مبنای ظن معقول، کتبی بودن و در صورت ضرورت امکان صدور شفاهی آنها، موردی بودن و مشخص کردن اهداف بازرسی، مقید به قید زمانی و مکانی معین و مطلع ساختن مقام مافوق پلیس است. در ادامه به بررسی یک نمونه از این دستورات پرداخته می‌شود:

به‌موجب ماده ۶۰AA قانون عدالت کیفری و نظم عمومی ۱۹۹۴ (با اصلاحات بعدی)

43. R vs. Fennelley 1989.

44. Liyod, op.cit. 55.

آنچه زمینه ایجاد ظن معقول برای صدور دستور بازرسی را به افسر پلیس با درجه بازرسی و بالاتر ممکن می‌کند، اعتقاد معقول به یکی از این دو مورد است که یا احتمال ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه در حوزه استحضاطی او باتوجه به اتفاقات جاری محتمل باشد و یا مصلحت کنترل و جلوگیری از اعمال مجرمانه اجازه چنین ایست و بازرسی‌هایی را ایجاب کند.^{۴۵} با عنایت به بند ۶ این بخش، دستور باید کتبی باشد و مطابق بند (۶A) صدور دستور شفاهی مشروط به عدم امکان صدور دستور کتبی پیش‌بینی شده است و در بند (۶B) مقرر شده که دستور شفاهی باید در اسرع وقت تبدیل به دستور کتبی شود. این دستور باید مطابق بند ۵ این بخش در اسرع وقت به اطلاع مقام مافوق با حداقل درجه کلاتر برسد. این دستور باید مطابق موارد سه‌گانه قسمت (b) بند ۶ این ماده متضمن زمینه‌های صدور دستور، محدوده زمانی و مکانی مورد بازرسی باشد و در هر حال مطابق قسمت (b) بند ۳ نباید از ۲۴ ساعت بیشتر باشد اگرچه در فرض ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایمی که به موجب آن دستور توقف و بازرسی صادر شده است، امکان تمدید مدت به مدت ۲۴ ساعت دیگر توسط مقام کلاتر یا بالاتر وجود دارد. همچنین اهداف توقف و بازرسی به موجب قسمت (a) و (b) بند ۲ این ماده برداشتن روبنده‌ها و تمام اشیایی می‌شود که باور معقول برای پلیس وجود دارد که فرد این اشیاء را به منظور مخفی کردن هویت به صورت اجمالی و اساسی استفاده می‌کند.

تحصیل کارت ضابطیت، لزوم ارائه کارت ضابطیت دادگستری پیش از بازرسی، بازرسی از اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود باید به موجب دستور و اجازه مقام صالح قانونی، کتبی، صریح و با قید مهلت بودن دستور و امکان صدور دستور شفاهی به عنوان امری استثنائی از تشریفات مشترک بین دو نظام حقوقی است با این توضیح که در حقوق انگلستان این تشریفات به موجب قوانین مختلف و آیین‌نامه اجرایی (A) به تصویر کشیده شده‌اند که تکلیف پلیس در انجام وظایف خود را به صورت صریح و دقیق نمایان می‌کند. در حالی که به منظور دستیابی به تشریفات پیش از بازرسی‌ها در حقوق ایران در برخی موارد (نظیر لزوم ارائه کارت ضابطیت) نیازمند قیاس و وحدت ملاک از مواد قانونی مختلف است.

۲-۲- تشریفات حین بازرسی

همان‌طور که بیان شد، قانون‌مداری از جانب مجریان عدالت کیفری، منجر به تضمین

۴۵. نک: بند سوم ماده (60AA) قانون عدالت کیفری و نظم عمومی ۱۹۹۴.

دادرسی منصفانه، احترام به حقوق شهروندان و درعین حال تأمین حقوق و منافع جامعه می‌شود و در تمام مراحل بازرسی‌ها به‌ویژه حین اجرای بازرسی‌ها باید سرلوحه ضابطان قرار بگیرد. قانون‌مداری در دادرسی کیفری شامل مفاهیم گوناگونی نظیر اقدامات در چهارچوب قانون، عدم اقدام خودسرانه، عدم اعمال سلیقه فردی، عدم تبعیض و ... می‌شود. تردیدی نیست که رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس به‌موجب توجه به مبانی شرعی و قانونی امکان‌پذیر است و جامعه انتظار دارد پلیس به‌عنوان مجری قانون، از اصول و موازین قانونی عدول ننماید؛ پس مأموران پلیس به‌هیچ‌وجه حق مداخله خودسرانه، توسیع و تضییق دایره جرایم و تفسیر قوانین کیفری را ندارند و صرفاً باید در چهارچوب قانون انجام‌وظیفه نمایند.^{۴۶} از این‌رو، ماده ۹۳ ق.آ.د.ک بازپرس و به‌تبع آن ضابطان را ملزم به «بی‌طرفی و اقدام در حدود اختیارات قانونی» می‌کند. همچنین ماده ۵۶ ضابطان دادگستری را مکلف به اقدام طبق مجوز صادره می‌کند و در ماده ۳۶ به‌دلیل اهمیت قانون‌مداری و انجام اقدامات در چهارچوب قانون حکم به بی‌اعتباری اقدامات مغایر ضوابط و قانون ضابطان می‌دهد.

در حقوق انگلستان قانونی بودن اقدامات پلیس به‌ویژه توقف و بازرسی‌ها از دغدغه اصلی حاکمان به‌شمار می‌آید زیرا توقف و بازرسی‌های خودسرانه و تصادفی از جمله عوامل شکایت مردم، به‌ویژه جوانان و اقلیت‌ها از جمله در آشوب‌های سال ۱۹۸۱ بوده است.^{۴۷} تنوع قوانین راجع به توقف و بازرسی‌ها و تنظیم آیین‌نامه اجرایی بیانگر تأکید بر قانون‌مداری در بازرسی‌های پلیسی است همچنین قانونگذار در بند (۱،۱) آیین‌نامه اجرایی تأکید بر منصفانه و مسئولانه بودن، بدون اعمال تبعیض غیرقانونی توقف و بازرسی‌های پلیسی دارد.^{۴۸}

۲-۲-۱- تشریفات حین بازرسی در حقوق ایران

در بررسی ضوابط و تشریفات حین توقف و بازرسی در آیین دادرسی کیفری ایران، قوانین چندان مشخصی یافت نمی‌شود، بنابراین در اغلب موارد برای حصول به این ضوابط نیاز به قیاس از مواد مختلف قانونی است. احترام به کرامت انسانی و حیثیت اشخاص و عدم تجاوز به حریم خصوصی اشخاص جز در موارد مصرحه قانونی در بازرسی‌ها، از جمله اصول و تشریفات

۴۶. علی سید تاج‌الدینی، حقوق شهروندی متهمان با رویکرد پیشگیری از ضرب‌وجرح (تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا، ۱۳۸۹)، چاپ اول، ۶۶.

47. Liyod, op.cit. 27.

۴۸. بند (۱،۱) آیین‌نامه اجرایی: «اختیار توقف و بازرسی باید منصفانه و مسئولانه توأم با احترام به افرادی که مورد بازرسی قرار می‌گیرند بدون اعمال تبعیض غیرقانونی صورت بگیرد.»

لازم‌الرعايه در بازرسی‌ها توسط ضابطان با عنایت به ماده ۴ ق.آ.د.ک و بندهای ۱ و ۸ ماده‌واحد قانون حقوق شهروندی است. همچنین با عنایت به اصول مذکور، جایگاه استفاده از زور و اقدام قهری توسط ضابطان محل طرح سؤال قرار می‌گیرد که قانونگذار در مواد مختلفی از جمله ۱۰۳^{۴۹} و ۱۴۵ ق.آ.د.ک به کیفیت استفاده از آنها اشاره کرده است و استفاده از زور و اقدام قهری ضابطان را در این دو ماده قانونی به ترتیب مقید به مقاومت در برابر مقام قضایی و عدم‌همکاری با او دانسته است و همچنین در بند ۱ ماده‌واحد قانون حقوق شهروندی استفاده از خشونت را در موارد ضروری، مجاز دانسته است که می‌تواند مبنایی برای توسل به زور در مواجهه ضابطان با جرایم مشهود باشد هرچند به نظر می‌رسد عبارت «تمام اقدامات لازم» در ماده ۴۴ ق.آ.د.ک دلالت به توسل به زور و خشونت در صورت نیاز از جانب ضابط در جرایم مشهود کند.

از جمله تشریفات حین بازرسی در نظام حقوقی ایران، محدود بودن ضابطان به بازرسی در محدوده تعیین شده توسط دستور قضایی به موجب ماده ۵۶ ق.آ.د.ک^{۵۰} است. معنا و مفهوم این ماده این است که در صورت وجود حکم موردی مقام قضایی، حکم مزبور فقط نسبت به اشخاص و اشیاء در آن حکم قابلیت اعمال داشته و مجوزی برای بازرسی سایر اشخاص، اشیاء و اماکن نیست.^{۵۱} اگرچه ماده ۵۶ ق.آ.د.ک ناظر بر جرم غیرمشهود است اما به رسمیت شناختن محدودیت بازرسی‌ها، در واقع بیانگر این مطلب است که در مواجهه با جرم غیرمشهود اقدام لازم و ضروری، اجرای مفاد حکم مقام قضایی است، حال در مورد جرایم مشهود کلیه اقدامات ضابطان مقید به لازم و ضروری بودن آنهاست، بنابراین اقدام به بازرسی از میان سایر اختیارات ضابطان دلالت به لازم و ضروری بودن آن باتوجه به اوضاع و احوال خاص هر مورد دارد، اما به نظر می‌رسد اصل لزوم و ضرورت، صرفاً محدود به انتخاب اقدام پلیسی مناسب از طرف ضابط نباشد بلکه در اجرای بازرسی هم باید به این اصل توجه شود و از بازرسی‌های غیرضروری خودداری شود. برای تحکیم این نظر می‌توان به ماده ۲ ق.آ.د.ک

۴۹. ماده ۱۰۳: «هرگاه در برابر مقام قضایی به هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، او می‌تواند از قوای انتظامی و در صورت ضرورت از نیروهای نظامی استفاده کند. این قوا مکلف به انجام دستور مقام قضایی هستند.

در صورت عدم اجرای دستور، مستنکف به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌شود.»

۵۰. ماده ۵۶: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.»

۵۱. خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ۸۶.

استناد کرد که مقرر می‌دارد: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد...» و از آنجایی که ماده ۴۴ ق.آ.د.ک عبارت «تمام اقدامات لازم» را بیان کرده است، لازم است کلیه جزئیات اقدامات ضابطان هم بر پایه اصل لزوم و ضرورت، قابل توجیه باشد، همچنین بند ۸ ماده واحد رعایت حقوق شهروندی از جمله تشریفات ضروری در بازرسی‌ها را اقدام در چهارچوب قانون و انجام بازرسی‌ها بدون تعرض به اشیاء و موارد غیرمرتبط با جرم می‌داند و درصدد بیان قاعده‌ای مطلق در بازرسی‌هاست که مشمول جرم مشهود و غیرمشهود می‌شود. همچنین از ویژگی‌های مرحله تحقیقات مقدماتی فوریت در انجام اقدامات مقامات قضایی و ضابطان است^{۵۲} و ضرورت حفظ ادله و جلوگیری از امحای آثار جرم، اقدام فوری مقام قضایی و ضابطان را ضروری می‌داند.^{۵۳} از سویی دیگر از ملزومات اصل براءت، فوریت در انجام اقدامات پلیسی در برابر شهروندانی است که اگر بنا به جهات قانونی زمینه اعمال برخی از اقدامات علیه آنها فراهم باشد، این اقدامات باید به سرعت انجام پذیرد تا موجب برچسب خوردن شهروندان و همچنین نقض آزادی آنها بیش از میزان لازم نشود. از این رو، در حین اجرای بازرسی‌ها، توجه به فوریت اقدام در عین دقت نظر و عملکرد دقیق، دو روی یک سکه فرض می‌شوند که در یک روی آن حقوق و آزادی شهروندان موردتکریم قرار می‌گیرد و در روی دیگر آن، حقوق عامه و امنیت جامعه تضمین می‌شود.

۲-۲-۲- تشریفات حین بازرسی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان مطابق بند ۳:۱ الی ۳:۶ آیین‌نامه اجرایی (A)، در حین بازرسی‌ها قواعد مهمی از جمله لزوم حفظ ادب و احترام نسبت به افراد (۳:۱)، درخواست همکاری از فرد موردبازرسی و توسل به زور متعارف و معقول به عنوان آخرین راه حل باید رعایت شود (۳:۲). متعارف بودن مدت زمان بازرسی و انجام آن در کمترین زمان ممکن با توجه به اوضاع و احوال هر مورد و درموردی که انجام بازرسی نیاز به ظن معقول دارد، از لحاظ محدوده بازرسی و ظرافت و دقت عمل باید به اینکه چه وسیله مشکوکی و توسط چه کسی در حال حمل شدن است، توجه شود. به عنوان مثال، اگر مورد سوءظن وسیله‌ای باشد که دیده شده داخل جیب

۵۲. ماده ۹۴: «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.»

۵۳. ماده ۹۵: «بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.»

قرار داده شده، محدوده جستجو باید محدود به همان جیب باشد، یا اینکه در مواردی مانند مواد مخدر که به‌سادگی قابل پنهان شدن در هر قسمتی از بدن است، بازرسی باید با دقت و عمق بیشتری صورت بگیرد. در مواردی که بازرسی به‌موجب دستور مقام ارشد پلیس صورت می‌گیرد، بازرس می‌تواند هر جستجوی معقولی را برای پیدا کردن وسیله‌ای که به‌موجب قانون موظف به پیدا کردن آن است، انجام دهد (۳،۳). انجام بازرسی‌ها در محلی که توقف صورت گرفته یا محل نزدیک به آن (۳،۴). محدود بودن بازرسی به پوشش سطحی و بیرونی جز در موارد استثنائی (درموارد قانونی که امکان دستور به درآوردن آن پوشش درحالی که فرد درصدد پنهان کردن هویت خود است، وجود داشته باشد). (۳،۵) و بند چهارم بخش سی و دوم قانون پلیس و ادله کیفری (۱۹۸۴) از دیگر تشریفات بازرسی‌ها در انگلستان است. درعین حال، علاوه بر تشریفات مذکور، فوریت در انجام آنها هم در آیین‌نامه اجرایی (A) مورد تأکید قرار گرفته است؛ از این رو، بند (۱،۲) آیین‌نامه اجرایی مقرر می‌کند که اخلال در آزادی افرادی که مورد توقف و بازرسی قرار می‌گیرند باید به‌صورت حداقلی باشد و همچنین بند (۳،۳) به این اصل توجه دارد که مدت زمانی که شخص یا وسیله او برای بازرسی متوقف می‌شود باید به‌صورت متعارف و در کمترین زمان ممکن باشد.

با عنایت به مطالب بالا، ملاحظه می‌شود که تشریفات حین بازرسی‌ها در حقوق انگلستان به‌صورت دقیق و مفصل‌تری بیان شده است؛ درحالی که تشریفات حین بازرسی‌ها در حقوق ایران مستلزم وحدت ملاک و قیاس از قوانین دادرسی کیفری و ماده‌واحد قانون حقوق شهروندی است و تشریفات اختصاصی‌ای در رابطه به بازرسی‌ها در این قوانین در دسترس نیست.

در ادامه به بررسی حضور شهود در بازرسی‌ها و بازرسی اندام جنسی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان پرداخته می‌شود.

۲-۲-۳- حضور شهود در بازرسی

حضور شهود در بازرسی‌ها به‌عنوان یک ابزار کنترلی و نظارتی برون‌سازمانی بر عملکرد پلیس منجر به رعایت موازین قانونی از جانب پلیس، قانون‌گرایی، رعایت حقوق متهم و افزایش اعتماد افکار عمومی به‌ویژه اقلیت‌های قومی و نژادی به پلیس می‌شود. شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به‌شمار می‌روند، زیرا، در بسیاری موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه، بدون معاضدت کسانی که خود درصحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی

ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نیست؛ به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است.^{۵۴}

درمورد ضرورت حضور شهود در بازرسی‌ها در اماکن عمومی به‌صراحت در قانون آیین دادرسی کیفری اشاره‌ای نشده است، آنچه درمورد ضرورت حضور شهود در دسترس است، مربوط به بازرسی از منازل و محل سکنی افراد است که قانونگذار در مادتين ۱۴۲ و ۱۴۳، مقرر نموده است، در صورت ضرورت، بنا به تشخیص مقام قضایی امکان حضور شهود وجود دارد که با قیاس از مادتين مذکور می‌توان بیان داشت که در حین بازرسی‌ها در جرایم غیرمشهود، با تشخیص مقام قضایی در مواردی که ضرورت اقتضاء می‌کند، می‌توان ضابط را در ضمن دستور بازرسی مکلف به حاضر کردن شهود در حین بازرسی از اشخاص یا اموال آنان کرد. در نظر دکتربین به دلیل عدم تعیین تعداد شهود از سوی مقنن می‌توان به دو شاهد بسنده کرد که این افراد نباید تحت سلطه اداری - قضایی مقام بازرسی کننده باشند.^{۵۵}

در حقوق انگلستان برای حضور شاهد در حین بازرسی‌ها مقررهای عام که شامل تمام بازرسی‌ها شود، وضع نشده است؛ اما درمورد بازرسی‌هایی که منجر به برهنه شدن جوانان، افرادی که دارای اختلالات ذهنی و افراد آسیب‌پذیر از لحاظ روانی می‌شود، اصل بر حضور حداقل دو فرد که یکی از آنان فردی بالغ و صالح باشد، امری ضروری محسوب می‌شود. در فرضی که حضور فرد صالح^{۵۶} در بازرسی از جوانان به سود او باشد و او از این مهم ممانعت کند می‌توان بازرسی را در غیاب چنین فردی و بعد از کسب موافقت او انجام داد و در این مورد درخواست جوان باید نوشته و به امضای او و فرد بالغ برسد.^{۵۷} همچنین به موجب سندی که وزارت کشور تحت عنوان «بهترین نحوه استفاده از تدبیر توقف و بازرسی»^{۵۸} در سال

۵۴. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، پیشین، جلد دوم، ۱۱۳.

۵۵. همان، ۱۷۸.

۵۶. شایان ذکر است عطف بند هفتم پاراگراف نخست آیین‌نامه اجرایی (C) منظور از فرد بالغ صالح، افرادی همانند والدین، سرپرستان، قیم، مأموران دولتی که وظیفه نگهداری از جوانان و افرادی که دارای اختلالات ذهنی هستند و افرادی که از لحاظ روانی آسیب‌پذیرند را برعهده دارند، همانند مددکاران اجتماعی، مسئولین مراکز روان‌درمانی و یا هرکسی که تجربه تعامل با چنین افرادی را داشته باشد، است. همچنین در غیاب این افراد هر فرد بالغ ۱۸ و بالای ۱۸ سال که هیچ‌گونه رابطه استخدامی با دستگاه پلیسی نداشته باشد فرد بالغ صالح محسوب می‌شود که این محدودیت با قید مذکور به دلیل رعایت بی‌طرفی شاهد و حمایت از حقوق متهم، مقرر گردیده است.

۵۷. نک: پاراگراف پنجم ضمیمه A آیین‌نامه اجرایی C.

۲۰۱۴ منتشر کرده است، در بخش دوم آن به صراحت امکان حضور شهروندان در بازرسی‌ها را به رسمیت شناخته است و آن را به عنوان راهکاری برای افزایش اعتماد افکار عمومی به ویژه جوانان و اقلیت‌های قومی به پلیس مدنظر قرار داده است، همچنین حضور شهروندان در بازرسی‌ها را بستری برای همکاری و ایجاد علقه بین پلیس و شهروندان و آشنایی عملی شهروندان با وظایف پلیس می‌داند. با این حال، حضور شهود در بازرسی‌ها جز در مورد جوانان و افرادی که دارای اختلالات ذهنی هستند، امری الزامی محسوب نمی‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، الزام به حضور شهود در بازرسی‌ها در نظام حقوقی هردو کشور با فقدان مقررۀ عام قانونی روبه‌روست، همچنین پیش‌بینی مقررۀ قانونی در این زمینه که قابلیت اجرایی داشته باشد خود نیازمند دقت نظر بسیار است. با این حال می‌توان حضور شهود در بازرسی از اطفال و نوجوانان در جرایم غیرمشهود را به عنوان یک سیاست تقنینی افتراقی بین بزرگسالان و اطفال به حقوق ایران پیشنهاد کرد.

۲-۲-۴- بازرسی اندام جنسی

سؤال مهمی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که آیا بازرسی می‌تواند منجر به برهنه شدن تدریجی یا کامل افراد شود؟ این قبیل بازرسی‌ها باید در چه محلی انجام شوند؟ اگرچه بازرسی از اشخاص به موجب ماده ۵۵ ق.آ.د.ک به رسمیت شناخته شده است اما مقررۀ ای در مورد فرایند بازرسی بدنی که در مرتبه‌های آن منجر به برهنگی شخص مظنون و بازرسی کامل از او می‌شود، وجود ندارد، اما سابقاً لایحه حمایت از حریم خصوصی در فصل مربوط به حریم خصوصی جسمانی تأکید کرده کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های انسان مصون از تعرض است و هیچ‌کس را نمی‌توان قبل یا بعد از دستگیری مورد تفتیش یا بازرسی قرار داد، مگر طبق قانون. این لایحه بازرسی بدنی را به سه دسته؛ بازرسی از روی لباس، بازرسی با درآوردن لباس و تفتیش اندام‌های داخلی بدن تقسیم و برای هر کدام از این دسته‌ها اصول و ضوابط معینی را پیش‌بینی کرده است. برای مثال، ماده ۸ لایحه، بازرسی بدنی با درآوردن لباس از تن مظنونان را تنها در دو صورت قانونی می‌داند. نخست، با دستور مرجع صالح قضایی صورت پذیرد و دیگر اینکه ظن قوی وجود داشته باشد که در صورت عدم بازرسی، ادله جرم از روی بدن مظنون از بین برود و اثبات جرم عرفاً غیرممکن یا بسیار

دشوار شود^{۵۹}؛ اما متأسفانه این قانون که دربردارنده مقررات جامع و مترقی در حمایت از حریم خصوصی اشخاص بود به تصویب مجلس نرسید.

به هر جهت، قوانین جاری و آیین‌نامه‌ها و رویه قضایی درخصوص کیفیت بازرسی بدنی سکوت کرده و از آنجا که ماده ۴۴ ق.آ.د.ک هرگونه اقدام ضابطان را منوط به دستور قضایی کرده است، بنابراین انجام بازرسی بدنی از افراد به غیر از موارد جرم مشهود، باید با اجازه مقام قضایی باشد.^{۶۰} در رویه عملی در مواجهه با جرم مشهود زمانی که بازرسی منتهی به برهنه شدن شخص می‌شود، ضابطان متهمان را به محلی که عرفاً از نظر پلیس محل مورد تأیید است، انتقال می‌دهند، این محل می‌تواند ماشین پلیس یا اداره پلیس باشد و سپس بازرسی بدنی که منجر به برهنه شدن متهمان می‌شود را انجام می‌دهند.^{۶۱}

به هر حال، بازرسی بدنی باید با رعایت کامل موازین عفت و حیا انجام گیرد. بازرسی بدنی زن به وسیله مأمور زن و بازرسی بدنی مرد به وسیله مأمور مرد باید انجام شود (به‌ویژه در جرایم غیرمشهود)، مگر در موارد استثنائی که دسترسی به ایشان ممکن نباشد یا منجر به تأخیر نامتعارف شده یا بیم امحای آثار جرم برود.

در حقوق انگلستان به منظور پاسخ به سؤالات فوق، با تدقیق در بند ۳:۶، ۳:۷ آیین‌نامه اجرایی A و همچنین پاراگراف یازدهم ضمیمه (۱) آیین‌نامه اجرایی C، درمی‌یابیم که: نخست، به منظور بازرسی غیر از پوشش بیرونی افراد، مبانی معقولی باید ضرورت این نوع بازرسی را توجیه کنند؛ دوم، بازرسی‌هایی که منجر به برهنه شدن کامل افراد می‌شود نباید به امری رایج و معمول تبدیل شود؛ سوم، عطف بند ۳:۶، ۳:۷ آیین‌نامه اجرایی A به غیر از بازرسی‌های عادی دو نوع بازرسی دیگر هم امکان‌پذیر است که به ترتیب نخست، بازرسی که منجر به نیمه‌برهنه شدن افراد می‌شود و دوم، بازرسی که منجر به برهنه شدن کامل افراد می‌شود. بازرسی که منجر به نیمه‌برهنه شدن افراد می‌شود باید توسط مأمور پلیس از جنس موافق فرد موردبازرسی، صورت گیرد و در مکانی دور از انظار عمومی (همانند ماشین پلیس یا اداره پلیس یا نزدیک به آن) و علی‌الاصول هیچ‌کسی نظاره‌گر آن نباشد مگر اینکه خود فرد موردبازرسی اصرار بر این امر داشته باشد.

۵۹. ساریخانی، پیشین، ۱۶۲.

۶۰ «بازرسی بدنی»، مؤسسه دانشنامه پلیس، آخرین بازدید ۲۳ خرداد ۱۳۹۷، <http://wiki.police.ir/?siteid=29&fkeyid=&siteid=29&pageid=4159>

۶۱ اطلاعات ارائه‌شده از طریق مصاحبه با یکی از ضابطان آگاهی در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۱ به‌دست آمده است.

بازرسی که منجر به برهنه شدن کامل افراد می‌شود باید توسط مأمور پلیس از جنس موافق فرد موردبازرسی و در مکانی دور از انظار عمومی (همانند اداره‌ی پلیس یا نزدیک به آن) صورت گیرد و در هر حال انجام این قبیل بازرسی‌ها در ماشین پلیس ممنوع است و علی‌الاصول هیچ‌کسی نباید نظاره‌گر این نوع بازرسی باشد مگر در حضور فرد بالغ صالحی که خود فرد موردبازرسی اصرار بر حضور او داشته است. به غیر از مواردی که خطر آسیب جدی به فرد توقیف‌شده یا دیگران وجود دارد، بازرسی‌ها باید در حضور حداقل دو فرد صورت گیرد.

برخلاف حقوق انگلستان، در قوانین ایران، مواد قانونی‌ای به منظور تبیین کیفیت بازرسی از اندام جنسی مظنون وضع نشده است؛ باین حال، رویه عملی پلیس و لزوم وجود دستور مقام قضایی در بازرسی‌ها در جرایم غیرمشهود و امکان دستور متناسب با وضعیت مذکور می‌تواند در مقطع فعلی تا حدی تأمین‌کننده حق بر احترام به تمامیت جسمانی مظنونین و رعایت موازین اسلامی و عفت و حیا بشود، اما کماکان، وضع قوانین با تشریح تمام جزئیات بازرسی‌ها از اندام جنسی، امری ضروری محسوب می‌شود.

۲-۳-۳- تشریفات پس از بازرسی

۲-۳-۱- تشریفات پس از بازرسی در حقوق ایران

از جمله تشریفات مهم پس از بازرسی‌ها تهیه گزارش از کلیه اقدامات ضابطان در مقام انجام وظایف و اختیاراتشان است. در نظام حقوقی ایران، ضابط در برابر انجام وظایف خود در جرایم مشهود و غیرمشهود موظف به تهیه گزارش از تمام اقدامات خود و وقایع رخ داده است. در صورتی که گزارش ضابطان با واقعیات بیرونی و عینی سازگاری نداشته یا به صورت مبهم و غیرقابل فهم تنظیم شده یا بدون رعایت قانون و مقررات تهیه و تنظیم شده باشد، بی‌اعتبار خواهد بود.^{۶۲}

۲-۳-۲- تشریفات پس از بازرسی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان تهیه گزارش از بازرسی به موجب قسمت سوم قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ و همچنین مطابق بند ۴:۱ الی ۴:۹ آیین‌نامه اجرایی (A) تحت عبارت «ضبط

۶۲ ماده ۳۶ آ.د.ک: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.»

بازرسی‌ها»^{۶۳} مورد تأکید قرار گرفته است.

نکته مهم در مورد بازرسی‌ها در انگلستان این مورد است که حتی اگر بازرسی از شخص یا راننده وسیله نقلیه منجر به دستگیری او نشود، یک نسخه گزارش از بازرسی صورت گرفته از او چه به صورت کاغذی چه به صورت الکترونیکی باید تهیه شود^{۶۴}، این امر به دلیل امکان انجام شکایت کیفری، انتظامی و مدنی از پلیس توسط شهروندان است که مورد بازرسی‌های بی مورد قرار گرفته‌اند و همچنین نوعی بازدارندگی برای افسران پلیس محسوب می‌شود که از بازرسی‌های بی مورد که سالب آزادی شهروندان می‌شود، خودداری کنند و به نوعی می‌توان گفت، ضبط بازرسی‌ها رابطه‌ای دوطرفه بین پلیس و مقامات مافوق خود و پلیس و شهروندان به منظور نظارت بر عملکرد پلیس فراهم می‌کند؛ اما در حقوق ایران این وظیفه به عهده ضابطان قرار داده نشده است که به موجب بی‌تدبیری قانونگذار در این مورد، اثر بازدارندگی‌ای که به آن اشاره شد و همچنین امکان پیگیری حقوق تضییع شده شهروندانی که بی‌دلیل مورد بازرسی قرار گرفته‌اند، نادیده گرفته می‌شود.

۳- ضمانت‌اجراهای حسن اجرای بازرسی

در هردو نظام حقوقی ایران و انگلستان در مورد اقداماتی که از ناحیه پلیس انجام می‌پذیرد در قوانین مختلف از حیث تعدی به حقوق افراد یا تخطی از انجام وظایف قانونی، ضمانت‌اجراهای گوناگونی از قبیل ضمانت‌اجرای کیفری، مدنی، انضباطی و ضمانت‌اجرای بطلان ادله حاصله به روش غیرمنصفانه در نظر گرفته شده است که مأمور خاطی را از جنبه‌های مختلف حقوقی ملزم به پاسخگویی در قبال نقض قانون و تعدی به حقوق شهروندان می‌کند که در ادامه به بررسی این ضمانت‌اجراها پرداخته می‌شود.

۳-۱- ضمانت‌اجرای کیفری

۳-۱-۱- ضمانت‌اجرای کیفری در حقوق ایران

در بررسی ضمانت‌اجراهای کیفری ضابطان در نظام حقوقی ایران می‌توان به مواد ۵، ۵۷۵، ۷۰

63. Record of Searches.

۶۴ تهیه گزارش در انگلستان به‌عنوان یک الزام مقید به دو استثناست: نخست؛ تهیه گزارش از بازرسی موجب ایجاد بی‌نظمی در جامعه شود و یا در فرضی که حضور افسر پلیس در محلی دیگر ضروری باشد (۱،۴) ضرورتی بر تهیه گزارش وجود ندارد.

و ۵۸۳ قانون تعزیرات به علت سلب آزادی و نقض حقوق اساسی شهروندان و همچنین ماده ۶۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ اشاره کرد که در آن مجازات تخلف از مقررات ماده ۵۵ ق.آ.د.ک، به عبارت دیگر در فرضی که بازرسی از افراد یا اموال آنان در جرایم غیرمشهود بدون دستور مقام قضایی صورت گیرد، محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی مقرر کرده است. از جمله جرایم ارتكایی افسران پلیس در حین توقف و بازرسی از شهروندان مطابق با حقوق انگلستان، جرم بازداشت غیرقانونی^{۶۵} است. مجازات مأمور خاطی بنابه مجازات اعمال شده در رویه قضایی به سیزده هزار پوند جزای نقدی تا حبس طولانی مدت، برحسب شدت جرم و اوضاع و احوال پرونده، مجازات است.^{۶۶}

همچنین می‌توان به سایر جرایم مشترک ضابطان علیه شهروندان در دو نظام حقوقی از جمله جرم ایراد ضرب^{۶۷} مطابق ماده ۳۹ قانون عدالت جزایی مصوب ۱۹۸۸، ایراد صدمه جسمانی شدید^{۶۸} مطابق ماده ۲۰ قانون جرایم علیه اشخاص^{۶۹} مصوب ۱۸۶۱ و ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات و قوانین مرتبط در کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی و جرم تخریب کیفی^{۷۰} در ماده ۱ قانون راجع به تخریب^{۷۱} مصوب ۱۹۷۱ و ماده ۶۷۷ قانون تعزیرات اشاره نمود.

در استعلامی که به موجب پرونده‌ای از معاونت حقوقی و قضایی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ به شماره ۷/۲/۸۷/۵۱۴ در تاریخ ۱۳۸۷/۰۱/۱۸ واصل شده است؛ معاونت حقوقی معتقد است که «مأموران می‌توانند در مقام دفاع نفس یا عرض یا نفوس و یا مال خود و دیگری از گاز اشک‌آور استفاده کنند و درغیراین صورت قابل تعقیب و مجازات هستند» و به دلیل آنکه در فرض سؤال از معاونت حقوقی، مأمور در شرایطی که (کنترل) (توقف، بازرسی و دستگیری) برهم‌زندگان نظم عمومی) امکان استفاده از سلاح گرم را قانوناً نداشته است و اصلاً نیازی به استفاده از آن هم وجود نداشته، از افشانه گاز اشک‌آور استفاده کرده است وی قانوناً قابل مجازات و تعقیب شناخته شده است.^{۷۲}

65. False Arrest/ Detention.

66. Neil Docking, "Man awarded £13,000 compensation for wrongful arrest - then cops re-arrest him and take cash." 2015/01/11, <http://www.mirror.co.uk/news/uk-news/man-awarded-13000compensation-wrongful-4961456> (last visited October 7, 2017).

67. Battery

68. Inflict Grievous Bodily Harm

69. Offence against the Person Act 1861.

70. Criminal Damage

71. Criminal Damage Act 1971.

۷۲. معاونت قضایی و حقوقی اداره کل حقوقی، نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی

۳-۱-۲- ضمانت‌اجرای کیفری در حقوق انگلستان

از جمله جرایم ارتكابی پلیس مرتبط با موضوع بازرسی‌ها در حقوق انگلستان را می‌توان در پرونده قتل بیژن ابراهیمی، ایرانی ساکن شهر بریستول انگلستان، ملاحظه نمود جایی که دو پلیس به اتهام سهل‌انگاری و نژادپرستی بنیادین به ۱۰ ماه و ۴ ماه حبس محکوم شده‌اند. بیژن ابراهیمی در تیر سال ۱۳۹۲ به دست گروهی از نژادپرستان، در شهر بریستول به شدت مضروب و سپس به طرز فجیعی بدن بی‌جان وی به آتش کشیده می‌شود. در این پرونده، نیروی پلیس در انجام وظایف خود به دلیل کوتاهی در برخورد قانونی با افراد اوباش حاضر در اطراف خانه آقای ابراهیمی و عدم توقف و بازرسی از آنها و ضبط اشیاء خطرناک آنها، عدم توجه به تماس‌های مکرر آقای ابراهیمی مبنی بر حضور این اوباش در اطراف خانه وی و عدم حضور در خانه او و کمک به وی کوتاهی می‌کند؛ در حالی که به استناد رأی دادگاه، حضور آنها در محل زندگی آقای ابراهیمی و بازرسی از اوباش آن محل و اطراف خانه وی، می‌توانست مانع قتل آقای ابراهیمی شود. در حقیقت، بازرسی‌ها یکی از اختیارات و در عین حال یکی از وظایف پلیس محسوب می‌شود که «خودرایی و سوءاستفاده در به‌کارگیری این اختیار خود می‌تواند در قالب عناوین مختلف از جمله سهل‌انگاری یا نژادپرستی جرم تلقی شود»^{۷۳} که این مهم مورد تأکید آیین‌نامه اجرایی (A) هم قرار گرفته است؛ مطابق بند (۱،۱) آیین‌نامه اجرایی: «توقف و بازرسی باید منصفانه و مسئولانه ... و بدون اعمال تبعیض غیرقانونی صورت بگیرد» و پلیس موظف است به منظور تأمین امنیت و حقوق شهروندان از این سازکار در محل مناسب خود استفاده کند، فلذا رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت دو افسر پلیس به دلیل سهل‌انگاری و نژادپرستی بنیادین، با عنایت به مبانی مذکور صادر شده است.^{۷۴}

نیروهای مسلح (حقوق جزای عمومی) (تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۹۱)، جلد چهارم، ۱۸۸.

۷۳. نقل قول از دکتر ریچارد استون، فعال حوزه نژادپرستی و مشاور تحقیق معروف استن لورنس در مصاحبه

با روزنامه گاردین با عنوان «سوءاستفاده از توقف و بازرسی خود جرم محسوب می‌شود.»

“Abuse of Stop and Search Powers is a Crime, Says Lawrence Inquiry Adviser,” The Guardian, Last Visited October 15, 2018, <https://www.theguardian.com/law/2012/jan/07/abuse-stop-search-crime-police>

۷۴. جهت مطالعه در مورد این پرونده و استدلال‌های دادگاه به پایگاه‌های ذیل مراجعه فرمایید:

“Bijan Ebrahimi Case: Police Officers Dismissed for Misconduct,” The Guardian, Last Visited October 15, 2018, <https://www.theguardian.com/uk-news/2016/jan/22/bijan-ebrahimi-case-avon-somerset-police-officers-dismissed-misconduct>.

“Bijan Ebrahimi: Police 'Failed' Murdered Man for Years,” BBC, Last Visited October 15, 2018, <https://www.bbc.co.uk/news/uk-england-bristol-40494218>.

۲-۲- ضمانت اجرای مدنی

۲-۲-۱- ضمانت اجرای مدنی در حقوق ایران

مسئولیت مدنی باید بر اساس قواعد و مقررات قانونی برقرار شود، از طرفی مسئولیت مدنی برخی مشاغل صراحتاً در قانون مشخص نشده از جمله این مشاغل، پلیس است فلذا مسئولیت مدنی آنها باید بر اساس مبانی و قواعد موجود مسئولیت مدنی تبیین شود.^{۷۵} مبنای مسئولیت پلیس در مورد خسارات وارده در فرایند توقف و بازرسی‌های پلیسی در نظام حقوقی ایران مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. برای شناسایی تقصیر پلیس باید رفتار مأمور متعارف و محتاط را معیار قرار داد و مأموری که در اجرای وظایف خود، از ارزش‌های فنی و اصول حرفه‌ای خود تجاوز نماید و ضرری وارد سازد، مرتکب تقصیر شده است و ضامن جبران خسارت وارده است.^{۷۶} به‌عنوان مثال در فرضی که پلیس در حین انجام بازرسی از اشخاص و یا وسیله نقلیه آنها عملی را انجام دهد که باعث تلف اموالشان شود؛ فرضاً خودروی فردی را در سربالایی خیابان متوقف کند و هنگام بازرسی از آن بر اثر بی احتیاطی فراموش کند ترمزدستی ماشین را بکشد یا ماشین را در حالت دنده خلاص قرار دهد و خودرو به حرکت درآید و صدمه‌ای به آن وارد شود، مسئول جبران خسارت است.^{۷۷} همچنین در مواردی قانونگذار مسئولیت جبران خسارت را برعهده دولت قرار داده است اگرچه حق مراجعه به مقامی که مرتکب تقصیر شده است را برای دولت محفوظ داشته است. به‌موجب تبصره ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک چنانچه پس از انجام بازرسی‌ها در فرضی که متهم از باز کردن محل‌ها و یا اشیای بسته خودداری کند و به‌موجب دستور مقام قضایی در زمان بازگشایی آنها اگر آسیبی به اموال وارد شود و سپس به‌موجب تصمیم قطعی مقام قضایی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت متهم صادر شود، دولت مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.^{۷۸}

۷۵. بختیار عباسلو، «مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری»، فصلنامه دانش انتظامی ۱۲ (۱۳۸۹)، ۱۰۸.

۷۶. زینب باقری‌نژاد، اصول آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴)، ۱۷۵.

۷۷. عباسلو، پیشین، ۱۰۴.

۷۸. موارد و مصادیق مسئولیت مدنی دولت بحث مستوفی را در برمی‌گیرد که نگارندگان به دلیل محدودیت در نوشتار آن را فاقد اولویت ضروری در این مقاله دانسته‌اند، باین‌حال برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: ماهدیس خیاطی گرگری، شرایط مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و انگلیس (تهران: انتشارات مؤسسه

نمونه‌ای از رویه قضایی درمورد مسئولیت پلیس را می‌توان در پرونده‌ای به دادنامه ۲۰۰۵۰۶ دادگاه نظامی یک در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۴، مشاهده نمود که مأمور پلیس به دلیل تیراندازی از فاصله نزدیک به سرنشین و راننده موتورسیکلت که پس از توقف موتورسیکلت مشکوک به کیف‌قاپی صورت گرفت و منجر به فوت سرنشین و مجروح شدن راننده شد، محکوم به پرداخت یک فقره دیه کامل و دیه جراحات وارده به مجروح این حادثه شد. در واقع در این پرونده، استفاده از سلاح پس از توقف مظنون و پیش از بازرسی از مظنون، از منظر دادگاه نظامی به استناد تبصره ۲ ماده ۶ قانون به‌کارگیری اسلحه توسط نیروهای مسلح درمورد ضروری مصوب ۱۳۷۳، اقدامی غیرقانونی تلقی شده است^{۷۹} که واجد مسئولیت مدنی برای پلیس است. همچنین در پرونده‌ای دیگر، با موضوع حمل کالای قاچاق مطروحه در شعبه سی و یکم دیوان عالی در تاریخ ۱۳۸۳/۰۷/۱۸، زیان‌دیده با ایجاد تصادف عمدی با اتومبیل پلیس، سعی در فرار داشت که پلیس با رعایت قانون، برای متوقف کردن اتومبیل، تیراندازی کرد و در نتیجه، راننده اتومبیل مشکوک به حمل کالای قاچاق، کشته شد اما چون پس از توقف و تفتیش اتومبیل وی، مشخص شد اتومبیل وی خالی از بار قاچاق بوده، سازمان پلیس، عهده‌دار پرداخت دیه او شد. در این پرونده به ماده ۶^{۸۰} قانون به‌کارگیری سلاح، توجه ویژه شده است، به طوری که طبق بند (الف) این ماده، صرف عدم کشف محموله قاچاق، حمل بر بی‌گناهی زیان‌دیده دانسته شد.^{۸۱} اگرچه درمورد پرونده اخیر شایان ذکر است که با عنایت به بند (ب) ماده ۶ عملکرد زیان‌دیده در ایجاد تصادف عمدی با اتومبیل پلیس، می‌بایست مصداق تقصیر زیان‌دیده محسوب می‌شد و با توجه به عدم تقصیر مأمور در به‌کارگیری سلاح، نمی‌بایست خسارتی به زیان‌دیده تعلق می‌گرفت.

مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵، ۴۸-۴۲.

۷۹. تبصره ۲: «مأمورین مذکور در صورتی می‌توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.»

۸۰. ماده ۶: «تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأمورین موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:

الف - در صورتی که وسیله نقلیه بنابه قرائن و دلایل معتبر یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیرمجاز حامل سلاح و مهمات باشد؛

ب - در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به مأمورین و یا مردم استفاده شده باشد.»

۸۱. حبیب‌الله رحیمی، ماهدیس خیاطی گرگری، «نقش زیان‌دیده در مسئولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)»، پژوهش حقوق خصوصی ۵(۱۷) (۱۳۹۵)، ۲۹.

۲-۲-۳- ضمانت اجرای مدنی در حقوق انگلستان

تاکنون پرونده‌های بسیاری در موضوع مسئولیت مدنی پلیس در دادگاه‌های انگلستان مورد رسیدگی و صدور رأی قرار گرفته است؛ از جمله پرونده «هولدن علیه پلیس لانکاشایر ۱۹۸۷»^{۸۲}، همچنین امروزه قانون در نظام حقوقی انگلستان نقش مهمی دارد. از جمله قوانین مربوط به مسئولیت مدنی پلیس می‌توان به قانون پلیس ۱۹۹۷ (اصلاحات بعدی)^{۸۳}، قانون رفتار ضداجتماعی، جرم و ایجاد نظم ۲۰۱۴^{۸۴} و قانون شکایت و رفتار پلیس ۲۰۱۲^{۸۵}، اشاره کرد.

مبنای مسئولیت مدنی پلیس در انگلستان بر دو مبنای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر و مسئولیت مدنی بدون تقصیر است. در تعریف تقصیر در حقوق انگلستان گفته شده: «عدم موفقیت در اعمال معیارهای مراقبتی که یک شخص معقول محتاط در موقعیت مشابه آن را انجام می‌دهد یا از آن پرهیز می‌نماید»^{۸۶}؛ بنابراین خروج از معیار معقول از حیث محتاط بودن، عنصر اساسی در تقصیر تلقی شدن یک رفتار محسوب می‌شود.^{۸۷}

یکی از راهکارهایی که در حقوق انگلستان به منظور ترغیب بیشتر زیان‌دیدگان به دادخواهی برای جبران خسارت متحمل شده مورد استفاده قرار می‌گیرد، دستور دادرسی گروهی^{۸۸} است. به موجب آن دادگاه مجموعه‌ای از دعاوی منفرد شبیه به هم را به منظور مدیریت مطلوب آن، تجمیع می‌کند.^{۸۹} بر این اساس، تمام دعاوی که در تعریف گروه قرار می‌گیرند و مسائل موضوعی یا حکمی مشترک یا مرتبط در آنها مطرح است، در یک دادگاه و به وسیله یک قاضی رسیدگی می‌شوند.^{۹۰} این دستور به‌ویژه زمانی که جبران خسارت ناچیز ولی هزینه‌های دادرسی بالا و زمان‌بر است بسیار مفید محسوب می‌شود؛ زیرا خواننده را وادار به درونی کردن هزینه‌های فعالیت خود کرده و در نتیجه بازدارندگی بیشتر قواعد حقوقی را تأمین می‌نماید. طرح این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که در جامعه ملاحظه می‌شود که شهروندان بدون رعایت موازین قانونی از جانب پلیس مورد بازرسی قرار می‌گیرند و از طرفی

82. Holden v Chief Constable of Lancashire 1986.

83. Police Act 1997 and Its Future Amendments.

84. Anti-Social Behavior, Crime and Policing Act 2014.

85. Police (Complaints and Conduct) Act 2012.

86. Elizabeth A Martin, A Dictionary of Law (London: Oxford University Press, 2002), 327.

۸۷. خیاطی گرگری، شرایط مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و انگلیس، پیشین، ۱۳۰.

88. Group Litigation Order

۸۹. طهماسبی، پیشین، ۲۳۰.

۹۰. همان، ۲۳۴.

به دلیل طولانی بودن فرایند دادرسی و یا ناچیز بودن خسارت دریافتی و همچنین به دلیل انفرادی بودن شکایات، انگیزه‌ای در شهروندان برای برخورد با ضابطان قانون‌گریز وجود ندارد، از طرف دیگر در ماده ۷ ق.آ.د.ک تصریح به لزوم جبران خسارت وارده در گذر نقض حقوق شهروندی شده است؛ از این رو، یکی از سازکارهای مناسب به منظور تحقق این هدف قانونگذار، استفاده از پتانسیل دادرسی گروهی است.^{۹۱}

۳-۳- ضمانت اجرای انضباطی

مسئولیت انتظامی متوجه موقعیت شغلی و اداری کارمندان دستگاه‌های دولتی می‌شود و معمولاً در اثر ارتکاب تخلف انتظامی و نقض مقررات شغلی ایجاد می‌شود، ضمن اینکه می‌تواند ناشی از جرایم مرتبط با شغل مأمور دولت باشد و عواقب آن نیز متوجه امور شغلی گردد.^{۹۲}

۳-۳-۱- ضمانت اجرای انضباطی در حقوق ایران

با عنایت به ماده ۱۱۸ قانون استخدام نیروهای انتظامی ۱۳۸۳ رسیدگی به تخلفات انضباطی ضابطان، تابع آیین‌نامه تخلفات نیروهای مسلح است. از جمله تخلفاتی که ضابطان به موجب توقف و بازرسی‌ها ممکن است مرتکب شوند عبارت‌اند از عدم رعایت قوانین و مقررات آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و سایر دستورات، ارتکاب اعمال و رفتار برخلاف شئون نظامی که به موجب مقررات تعیین و ابلاغ می‌گردد و تظاهر به خلاف شرع مبین اسلام است که مورد آخر که با عنایت به بند (ن) ماده ۱۱۶ آیین‌نامه بیان شده است و مصادیق گسترده‌ای از جمله بازرسی بدنی از زنان در اماکن عمومی در فرض حضور ضابط زن و یا دستور به کشف حجاب بانوان به منظور بازرسی بدنی از آنها در اماکن عمومی را دربرمی‌گیرد. با عنایت به ماده ۱۱۷ آیین‌نامه تنبیهات مختلفی از جمله حداقل توبیخ شفاهی و کتبی تا حداکثر تنزیل درجه و اخراج از خدمت برای ضابطان خاطی در نظر گرفته شده است. پس از تصویب قانون هیئت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۶، رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنان شاغل در نیروهای

۹۱. به منظور اطلاع از وجه تمایز تجمیع دعاوی خواهان‌ها در حقوق ایران و دادرسی گروهی در انگلستان به مقاله طهماسبی، پیشین، ۲۴۲ به بعد مراجعه شود.

۹۲. مرتضی ناجی زواره، *دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹)، ۳۰۹.

مسلح در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر انضباطی انجام می‌شود. نکته مهم و قابل‌انتقاد در مورد این قانون امکان ارائه تنبیهات پیشنهادی نظیر محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت و یا اخراج از خدمت برای کارکنان متخلف توسط فرمانده نیروی انتظامی، فرماندهان انتظامی استان‌ها و مقامات هم‌تراز و رؤسای سازمان عقیدتی - سیاسی و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی است^{۹۳} که با عنایت به عضویت برخی از این مقامات در هیئت بدوی رسیدگی، دادرسی منصفانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگرچه به موجب قانون، هیئت رسیدگی ملزم به رعایت این پیشنهادها نیست^{۹۴}، اما کماکان نقد سابق وارد است.

۳-۲- ضمانت اجرای انضباطی در حقوق انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان کمیسیون مستقل شکایات از پلیس^{۹۵} به موجب اصلاح قانون پلیس سال ۲۰۰۲ تشکیل شده است و وظیفه رسیدگی به شکایات انضباطی از نیروهای پلیس را برعهده دارد. این نهاد وظیفه تحقیق در مورد شکایات صورت گرفته علیه نیروهای پلیس، کارمندان غیرنظامی پلیس و پلیس‌های ویژه را برعهده دارد.^{۹۶}

به موجب بند ۱ بخش ۱۲ قانون اصلاحی پلیس سال ۲۰۰۲، شکایات انتظامی از افرادی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که (a) شخصی مدعی این باشد که مورد رفتار غیرقانونی پلیس قرار گرفته است؛ (b) کسی که مشمول بند (a) نمی‌شود اما ادعا می‌کند که تحت تأثیر رفتار ناخوشایند پلیس قرار گرفته است؛ (c) هریک از اعضای جامعه که ادعا می‌کند شاهد رفتار غیرقانونی بوده است؛ (d) هر فردی که از جانب افراد هریک از پاراگراف‌های (a) تا (c) برای شکایت اقدام کند. پلیس موظف به رعایت استانداردهای رفتار حرفه‌ای^{۹۷} مندرج در جدول شماره دو مقررات رفتاری پلیس^{۹۸} مصوب سال ۲۰۱۲ هستند، از جمله این استانداردها که الزام به رعایت آن در حین بازرسی‌های پلیسی وجود دارد، رعایت انصاف و احترام به تفاوت‌ها، صداقت و عدم سوءاستفاده از قدرت، رعایت احترام و کرامت افراد و عدم توسل نابجا به زور

۹۳. نک: ماده ۳ قانون هیئت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۶.

۹۴. نک: تبصره ۱ ماده ۳ قانون هیئت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۶.

95. Independent Police Complaints Commission

96. Police Reform Act: 2002, Section 10.

97. Standards of Professional Behavior

98. Police Regulations 2012

است که در فرض اثبات تخلفات آنان از این استانداردها، عطف پاراگراف سوم و هفتم، قسمت سی و پنجم مقررات رفتاری پلیس سال ۲۰۱۲ تنبیهاتی از جمله حداقل توبیخ شفاهی، کتبی تا حداکثر اخراج از خدمت برای افراد خاطی در نظر گرفته می‌شود.

پیشنهادی که از این قانون می‌توان به حقوق ایران ارائه کرد، ایجاد سازکاری نظیر مورد (b) و (c) بند ۱ ماده ۱۲ قانون اصلاحی پلیس سال ۲۰۰۲ است که موجبات شکایت انتظامی علیه ضابط توسط افرادی که ناظر رفتار غیرقانونی وی بوده‌اند اما از آن متضرر نشده‌اند را فراهم می‌کند که این امر می‌تواند به بازدارندگی از نقض قانون توسط ضابطان کمک شایانی کند و همچنین از جمله مصادیق نظارت جامعه‌ی بر دستگاه‌های حاکمیتی محسوب می‌شود و موجب افزایش اعتماد افکار عمومی به دستگاه حاکمیتی می‌شود. همچنین به‌عنوان انتقاد به هردو نظام حقوقی می‌توان بیان داشت که اگرچه رسیدگی به تخلفات انضباطی پلیس در هردو نظام حقوقی برعهده نهاد‌های مستقل از اداره یا پایگاه محل فعالیت پلیس نهاده شده است، اما از آنجایی که امر قضا و رسیدگی به تخلفات نیازمند دانش حقوقی است و صرف داشتن اطلاعات نظامی کافی نیست، رسیدگی به تخلفات پلیس توسط مقامات دارای رتبه نظامی و فاقد دانش و تخصص حقوقی، دادرسی عادلانه در این موارد را با تردید روبه‌رو می‌کند و دادرسی را به آنچه امروزه تحت عنوان نظامی کردن حقوق کیفری یاد می‌شود، دچار می‌کند.

۳-۴- ضمانت اجرای بطلان ادله

تحصیل دلیل به شیوه‌های مشروع و قانونمند، جزء حقوق متهم محسوب می‌گردد. متهم به‌عنوان جزئی از اجتماع انسانی دارای حقوقی است که یکی از آنها می‌تواند تحصیل دلایل علیه او به شیوه‌های کاملاً مقبول و انسانی و نیز سعی در تحصیل دلایل به سود او در راستای حفظ اصل برائت باشد.^{۹۹} مقنن در پاسداشت حقوق متهم، افزون بر در نظر گرفتن مقررات حمایت‌کننده، به‌منظور تضمین رعایت مقررات و ضوابط، ضمانت‌اجراهای مختلفی در نظر گرفته است. در این میان، ضمانت‌اجرای بی‌اعتبار بودن تحقیقات و در نتیجه، عدم پذیرش دلیل تحصیل‌شده به شیوه غیرقانونی، قابل توجه است.^{۱۰۰} دلیل عبارت است از هر نوع مدرکی مانند

۹۹. حیدری، پیشین، ۴۴.

۱۰۰. حسنی مؤذن‌زادگان و سحر سهیل مقدم، «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق آمریکا)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران ۳(۲) (۱۳۹۵)، ۲۶۴.

اسناد و شهادت و موارد دیگر دال بر اثبات یا رد موضوع موردادعا که به صورت قانونی از سوی اصحاب دعوا یا شهود، به منظور متقاعد نمودن دادگاه یا هیئت منصفه ارائه می‌شود.^{۱۰۱} در تعریف بطلان ادله آمده است: «اگر قانون مقرر کرده باشد عمل به شکل خاصی صورت گیرد و ضمانت اجرای تخلف از آن را بطلان اعلام کرده باشد معنایش آن است که چنانچه برخلاف قانون صورت گیرد، بی اثر است.»^{۱۰۲} در واقع مطابق این اصل اگر مهم‌ترین دلیل در اثبات یک واقعه مجرمانه، چنانچه در تحصیل آن ضوابط قانونی و شرایط مقرر نادیده گرفته شده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌گردد.^{۱۰۳} دلیل باید با رعایت کرامت انسانی اشخاص و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی تحصیل گردد و نحوه تحصیل آن به گونه‌ای نباشد که شأن و اعتبار سیستم عدالت کیفری را زیر سؤال برد.^{۱۰۴}

۳-۴-۱- ضمانت اجرای بطلان ادله در حقوق ایران

مقصود از بطلان در حقوق ایران بی اعتبار بودن تحقیق صورت گرفته و ادله حاصله (بی اعتباری نسبی) یا در برخی موارد بی اعتباری مطلق اقدامات است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد مختلفی به صورت موردی به بی اعتبار بودن دلیل تحصیل شده، تصریح شده است. در قسمت آخر ماده ۳۰ ق.آ.د.ک پس از بیان لزوم انجام تحقیقات و اقدامات به وسیله مأمورانی که کارت ضابطان دادگستری را دارند، مقرر شده است که تحقیقات و اقدامات صورت گرفته توسط مأمورانی که فاقد کارت مذکور می‌باشند، ممنوع و فاقد اعتبار محسوب می‌شود (بی اعتباری مطلق)؛ از این رو قابل تصور است که اگر بازرسی از شهروندان یا اموال آنان توسط مأمورانی که فاقد کارت مذکور باشند، انجام شود به دلیل اینکه ضابط محسوب نمی‌شوند، فاقد اعتبار بوده و به ادله حاصله از آن ترتیب اثر داده نشود. همچنین به موجب ماده ۳۶ ق.آ.د.ک گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود، فلذا گزارش‌هایی که بدون رعایت موازین قانونی صورت گرفته باشد فاقد ارزش تلقی می‌شود اما این مورد هم محدود به گزارش‌های ضابطان است و در مورد سایر اختیارات

101. Bryan Garner, *Black's Law Dictionary* (U.S.A :West Publishing Corporation, 2009), 635.

۱۰۲. عباس زراعت، *بطلان در آیین دادرسی کیفری* (تهران: میزان، ۱۳۹۰)، چاپ اول، ۳۰.

۱۰۳. آشوری، *آیین دادرسی کیفری*، پیشین، جلد دوم، ۲۲۹.

۱۰۴. الهام حیدری و محمدجواد فتحی، «گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و

انگلستان»، *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز* ۶(۲) (۱۳۹۳)، ۶.

ضابطان حکمی موجود نیست.

با عنایت به قانون آیین دادرسی کیفری، ملاحظه می‌شود که قانونگذار برای یکی از مهم‌ترین زمینه‌های رد ادله در نظام‌های حقوقی پیشرفته، یعنی بازرسی غیرقانونی از اشخاص و اشیاء ضمانت‌اجرای بی‌اعتباری دلایل را پیش‌بینی نکرده است، توضیح اینکه به موجب ماده ۵۵ ق.آ.د.ک بازرسی از اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود پس از ذکر جهات ظن قوی در پرونده (ماده ۱۳۷) و با اجازه موردی مقام قضایی صورت می‌پذیرد و ضابطان به نیابت از جانب مقام قضایی و به نام وی مبادرت به بازرسی می‌کنند. هرچند در ظاهر امر به نظر می‌رسد اگر دستور بازرسی بدون ذکر جهات ظن قوی صادر شود به دلیل اینکه بی‌اعتباری دلایل صرفاً توسط قانونگذار در موارد مصرحه قانونی پذیرفته شده است و بی‌اعتباری این بازرسی‌ها در هیچ‌یک از مواد قانونی مورد تصریح قرار نگرفته است، نتوان حکم به بی‌اعتباری ادله حاصله از این بازرسی‌ها صادر کرد؛ زیرا با عنایت به ماده ۳۶ ق.آ.د.ک یکی از مواردی که گزارش اقدامات ضابطان مورد پذیرش مقام قضایی قرار نمی‌گیرد، عدم رعایت قوانین و مقررات است؛ در حالی که در فرض فقدان ظن قوی و صدور دستور بازرسی توسط بازپرس کلیه اقدامات ضابطان به نیابت از جانب بازپرس صورت می‌پذیرد و نه به عنوان اقدامی مستقل به نام خود ضابط و از آنجایی که در قوانین آیین دادرسی کیفری عدم رعایت قوانین از جانب مقام قضایی در صدور دستورات با ضمانت‌اجرای بی‌اعتباری روبه‌رو نشده است؛ عدم پذیرش ادله حاصله از چنین بازرسی‌هایی به سختی قابل تصور است و صرفاً با عنایت به قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۲ می‌تواند موجهی برای مجازات انتظامی بازپرس باشد؛ اما با استنتاج از ماده ۲۱۲^{۱۰۵} ق.م.ا می‌توان قائل به این نظر بود که اگر طرق تحصیل دلیل غیرقانونی و برخلاف علم قاضی باشد، در مرحله دادرسی می‌تواند این ادله را نادیده گرفته و بر مبنای علم خود رأی صادر کند؛ زیرا به موجب این ماده، قاضی اختیار عدم پذیرش ادله قانونی در فرض تحقق بایسته‌های قانونی را دارد و به طریق اولی می‌تواند از پذیرش ادله حاصل شده به طرق غیرقانونی امتناع کند.

در رویه قضایی به نظر می‌توان نشانه‌هایی از پذیرش نهاد «بی‌اعتباری ادله» را از آراء و قرارهای صادره استخراج کرد. به عنوان مثال به موجب قرار منع تعقیب صادره از شعبه ۶۳۳

۱۰۵. ماده ۲۱۲: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود.»

دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ مشهد، مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴، متهمان پرونده، به اتهام شرکت در حمل و نگهداری یک عدد افشانه فلفلی گاز اشک‌آور و یک بطری یک لیتری مشروبات الکلی خارجی موضوع گزارش اولیه ضابطین بسیجی نزد مقام قضایی احضار می‌شوند، با این توضیح که ضابطان یادشده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۰ در حین گشت‌زنی به یک دستگاه خودرو به سرنشینی متهمان مظنون می‌شوند و جهت رفع ظن، خودرو را مورد بررسی کامل قرار می‌دهند که یک بطری یک لیتری شیشه‌ای خارجی مشروبات ۴۰ درصد از زیر صندلی سمت شاگرد همچنین از داخل کوله‌پشتی متهم دیگر یک عدد افشانه فلفلی خالی کشف می‌کنند. مقام قضایی در راستای بررسی این پرونده به استناد به اینکه با در نظر گرفتن جمیع اوضاع و احوال موجود و باتوجه‌به: اولاً، انکار شدید متهمین درخصوص کشف مشروبات الکلی از آنها؛ ثانیاً، نحوه بازرسی خودروی متهمین؛ و ثالثاً، از آنجایی که عطف ماده ۵۵ ق.آ.د.ک، بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است و در پرونده باتوجه‌به گزارش ضابطان و مدارک موجود و همچنین اظهارات متهمان درخصوص نحوه بازرسی خودروی آنان و نحوه عملکرد سراسر دارای ایراد ضابطین چنین چیزی وجود نداشته است، لذا توجهاً به شیوه غیرقانونی تحصیل ادله (به لحاظ شکلی) و همچنین باتوجه‌به ماده ۳۶ ق.آ.د.ک که اعتبار گزارش ضابطان را به دو قید اساسی مقید کرده است که بر اساس قسمت دوم این مقررۀ قانونی گزارش ضابطان «باید» بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود، توجه اتهام به افراد یادشده موردخداشده واقع می‌شود و باتوجه‌به فقدان ادله دیگر و با عنایت به رعایت احترام و حفظ صیانت از حریم خصوصی شهروندان، مستنداً به استناد مواد ۲، ۴، ۷، ۳۶ و ۶۱ ق.آ.د.ک و مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصل سی و هفتم قانون اساسی، قرار منع تعقیب درمورد همه متهمان صادر می‌کند. در پرونده‌های دیگر، به شماره ۹۶۰۹۹۸۲۶۴۹۰۰۰۰۲۴، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو، با استناد به مواد ذکرشده در پرونده پیشین و با این استدلال که ضابطان در جرم غیرمشهود بدون اخذ مجوز موردی مقام قضایی مبادرت به بازرسی از صندوق عقب خودرو متهمان کرده‌اند و ۳۰۰ سی سی مشروبات الکلی به دست آورده‌اند؛ ادله حاصل از این قبیل بازرسی‌ها به دلیل فقدان رعایت تشریفات قانونی (مواد ۵۵ و ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری) بی‌اعتبار تلقی می‌شود و همچنین با تأکید بر پایبندی به روح قانون آیین دادرسی کیفری و اصل مشروعیت تحصیل دلیل، حکم به برائت تمام متهمان حمل مشروبات الکلی صادر نمود.

۳-۴-۲- ضمانت اجرای بطلان ادله در حقوق انگلستان

در انگلستان، از اصل مشروعیت تحصیل دلیل، تحت عنوان قواعد «اکس کلوزنری»^{۱۰۶} نام برده می‌شود. در واقع قواعد «اکس کلوزنری» که به قواعد معتبر نشناختن ادله یا قواعد استثنای ادله ترجمه گشته‌اند، مشتمل به قواعدی هستند که شماری از دلایل را به علل مختلفی که مهم‌ترین آنها مغایرت با حقوق اساسی متهم است، رد می‌نمایند. در واقع منظور از این قواعد این است که نمی‌توان «یک واقعه اثبات‌شده یا مطلبی اظهارشده را که مغایر با حقوق اساسی متهم باشد، به دادگاه جهت اثبات دعوا ارائه کرد.»^{۱۰۷}

امروزه قاعده معتبر نشناختن ادله در قانون پلیس و ادله کیفری انگلستان به رسمیت شناخته شده است. ماده ۷۶ این قانون بیان می‌دارد^{۱۰۸} «چنانچه آشکار شود که اقرار در نتیجه فشار به دست آمده، صرف‌نظر از اعتمادپذیر بودن یا نبودن آن، این نوع اقرار نامعتبر خواهد بود. تنها در صورتی می‌توان به چنین اقراری استناد کرد که مقام تعقیب بدون هیچ‌گونه شبهه‌ای اثبات کند که اقرار از طریق فشار به دست نیامده است. مراد از فشار هرگونه شکنجه، رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز و استفاده یا تهدید به خشونت است، اعم از اینکه عمل اخیر به حد شکنجه رسیده یا نرسیده باشد.» ماده ۷۸ همان قانون نیز مقرر می‌دارد: «در هر فرایند رسیدگی چنانچه دادگاه دریابد که باتوجه به کلیه شرایط، از جمله شرایطی که ادله گردآوری شده‌اند، پذیرش ادله اثر نامطلوبی بر منصفانه بودن دادرسی خواهد داشت، می‌تواند از قبول ادله‌ای که علیه متهم ارائه شده است، خودداری کند.» ماده ۷۶ در مورد اقرار و ماده ۷۸ با دیدی بازتر شامل بطلان کلیه ادله حاصله به طریق غیرمنصفانه می‌شود.

در نظام حقوقی انگلستان سه عامل در تصمیم‌گیری دادگاه نسبت به معتبر نشناختن ادله مؤثر است: سوءنیت پلیس، رفتار ناقض قانون از سوی پلیس و اثری که چنین رفتاری بر نتیجه پرونده خواهد گذاشت.^{۱۰۹}

106. Exclusionary Rule

۱۰۷. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹)، جلد دوم، ۳۳۴.

۱۰۸. پیش از به رسمیت شناختن قانونی بی‌اعتباری ادله در انگلستان، به موجب پرونده‌های متعددی، پذیرش ادله حاصله به روش غیرمنصفانه با مخالفت مقام‌های قضایی مواجه است. از جمله این پرونده‌ها به موجب تقدّم و تأخّر زمانی می‌توان به پرونده‌های ذیل اشاره کرد:

Regina v Payne CCA ([1963] 1 All ER 848); Regina v Mealey and Sheridan CACD ([1974] 60 Cr App R 59, [1975] Crim LR 154); REGINA V SANG: HL 25 JUL 1979.

109. R. Stone "Exclusion of Evidence under Section 78 of the Police and Criminal Evidence Act: Practice and Principle," *Web Journal of Current Legal Issue* 3 (1995): 4, Last visited May 22, 2018, www.worldlawbook.com/attachments/312.pdf.

بنابراین زمانی که در بازرسی‌های پلیسی، پلیس قصد فریب متهم را داشته باشد، این سوءنیت موجب بی‌اعتباری ادله می‌شود. برای مثال در پرونده «فلنی» که نزدیک به بحث توقف و بازرسی است، پلیس متهم را بازداشت و پس از بازرسی بدنی از او مقداری جواهرات مسروقه و هروئین به‌دست آورد. دادگاه با توجه به بازداشت غیرقانونی متهم ادله کشف‌شده را فاقد اعتبار دانست. به‌نظر دادگاه، پلیس باید ابتدا متهم را از دلایل بازداشت مطلع ساخته و به او فرصت دفاع می‌داد. از آنجاکه پذیرش ادله در چنین شرایطی خلاف مقتضای عدالت تلقی می‌شود، دادگاه حکم به برائت متهم صادر و در رأی خود بر اهمیت رعایت قاعده مزبور تأکید کرد.^{۱۱۰}

مورد دوم؛ عمل پلیس باید ناقض یکی از قوانین باشد. این قانون ممکن است یک قانون کیفری، مدنی، قانون پلیس و ادله کیفری و یا مجموعه قواعد رفتاری پلیس باشد؛ اما نقض قوانین به‌خودی‌خود منجر به بطلان ادله نیست بلکه این نقض قانون باید مهم و اساسی باشد.^{۱۱۱} در عین حال ضابطه‌ای برای اینکه نقض کدام قوانین و به چه کیفیتی آن‌قدر مهم و اساسی تلقی می‌شود که منجر به بطلان ادله می‌شود، بیان نشده است.^{۱۱۲} اما می‌توان انتظار داشت زمانی که در حین بازرسی به‌موجب بخش نخست قانون پلیس و ادله کیفری که نیاز به ظن معقول دارد، اگر بازرسی بدون وجود ظن معقول صورت پذیرد در فرض کشف مال مسروقه یا سایر ادله اتهامی بتوان قائل به بطلان ادله شد، زیرا این نقض قانون بسیار مهم و اساسی است زیرا ضابطه وجود یا نبود ظن معقول در بازرسی‌ها خود مبنایی برای ایجاد اختیارات بازرسی به‌موجب قوانین مختلف شده است و نقض آن مهم و اساسی تلقی می‌شود و می‌تواند ضمانت‌اجراه‌های کیفری و انضباطی برای پلیس به‌دنبال داشته باشد. این مورد به‌خوبی در پرونده ساموئل^{۱۱۳}، منعکس شده است. ساموئل از پلیس به‌علت جرم توقیف غیرقانونی جهت مطالبه خسارت شکایت می‌کند، پیش از این او در دادگاه از اتهام حمله به پلیس برائت یافته بود. ساموئل زمانی که به سمت خانه خود در حال حرکت بود توسط پلیس متوقف می‌شود و از او در مورد مقصدش سؤال می‌شود، او بدون پاسخی مفید به راه خود ادامه می‌دهد و بیان می‌کند که او آزادی آن را دارد که به هر کجا می‌خواهد، برود. وقتی او نزدیک خانه‌اش می‌شود پلیس می‌گوید که قصد بازرسی از او را دارد به این علت که او مشکوک به

110. Liyod, op.cit. 85.

۱۱۱. زراعت، پیشین، ۳.

112. Stone, op.cit. 7.

113. Samuels v Commissioner of Police for the Metropolis 1999.

داشتن اشیاء ممنوعه است. پلیس در دادگاه این دلیل را ارائه کرد که فکر می‌کرده ساموئل وسیله‌ای ممنوعه حمل می‌کند و حالت راه رفتن او مشکوک است و طی بازرسی از او وسیله‌ای ممنوعه کشف می‌شود. دادگاه بدوی مقرر داشت که توقف و بازرسی بر مبنای ظن معقول صورت گرفته است. پس از اعتراض به حکم، دادگاه تجدیدنظر در مقام رسیدگی مقرر داشت؛ اگر نزد پلیس قبل از رویارویی با ساموئل ظن معقول شکل نگرفته باشد، رفتار ساموئل بلافاصله بعد از رویارویی با پلیس نمی‌تواند ظن غیرمعقول را تبدیل به ظن معقول کند و بنابراین ادله حاصله به موجب بازرسی غیرقانونی موردپذیرش دادگاه قرار نگرفت و او از اتهام حمله به پلیس تبرئه شد و سپس بر مبنای بطلان ادله و عدم مشروعیت بازداشت او، در دادگاه به علت شبه جرم توقیف غیرقانونی علیه پلیس به منظور مطالبه خسارت شکایت می‌کند و مورد آخر؛ پیامدها و آثار رفتار ناقض حقوق متهم است. این امر در تصمیم‌گیری دادگاه نسبت به پذیرش یا عدم‌پذیرش ادله تأثیرگذار است؛ به این معنا که دادگاه به این امر توجه می‌کند که نقض مقررات تا چه حد در تحصیل ادله مؤثر بوده و یا اینکه در صورتی که ادله بی‌اعتبار شود، پرونده به چه سرانجامی دچار خواهد شد. برای مثال مطابق مورد دوم بند ۳:۸ آیین‌نامه اجرایی (A) قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۶ اگر پلیس قبل از بازرسی از ذکر نام خود و نام ایستگاه پلیس خودداری کند و اتفاقاً در جریان بازرسی از فرد ادله مجرمانه‌ای از او حاصل شود، با اینکه یکی از قواعد رفتاری نقض شده است اما این نقض در تحصیل ادله به حدی مؤثر نبوده که منجر به بطلان ادله حاصله شود.

با مقایسه دو نظام حقوقی، این نتیجه حاصل می‌شود که نهاد بطلان ادله، به صورت صریح و به موجب حکم کلی در نظام حقوقی انگلستان پیش‌بینی شده است، در حالی که در حقوق ایران، بطلان ادله به صراحت موردپذیرش قرار نگرفته و محدود به بی‌اعتباری ادله در موارد مصرحه قانونی است در حالی که پذیرش چنین قاعده‌ای به عنوان یک حکم کلی نظیر حقوق انگلستان می‌تواند به قانون‌مداری ضابطان، افزایش اعتماد مردم به دستگاه قضایی و کاهش رویکرد امنیت‌مدار در بین ضابطان کمک شایانی کند.

نتیجه

توقف و بازرسی‌های پلیسی در اماکن عمومی یکی از اقدامات ناقض حقوق، آزادی‌ها و حریم خصوصی شهروندان محسوب می‌شود، از این رو، نظام‌های حقوقی تلاش می‌کنند که حدود و ثغور این اقدام استثنائی را در قالب قوانین و تشریفات آشکار و شفاف، تدوین کنند. در

پاسخ به نخستین سؤال فرعی در باب جهات و موارد قانونی توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در حقوق ایران و انگلستان می‌توان بیان داشت که صدور مجوز بازرسی توسط مقام قانونی در نظام حقوقی ایران به‌موجب جرایم غیرمشهود و در نظام حقوقی انگلستان فرض تشخیص مقام ارشد پلیس به‌موجب قوانین مختلف از جمله جهات قانونی مشترک توقف و بازرسی در هردو نظام حقوقی ایران و انگلستان محسوب می‌شود، با این تفاوت که صدور مجوز بازرسی به‌موجب جرایم غیرمشهود، توسط مقام قضایی و صدور مجوز بازرسی در نظام حقوقی انگلستان توسط مقام ارشد پلیس بر مبنای ایجاد ظن معقول به وقوع جرم یا احتمال جرم نزد وی، صورت می‌گیرد. جرم مشهود و ظن معقول از جمله جهات قانونی افتراقی توقف و بازرسی‌ها، به ترتیب در نظام حقوقی ایران و انگلستان محسوب می‌شوند؛

در پاسخ به دومین سؤال فرعی پیرامون کیفیت ضمانت‌اجراهای حسن اجرای توقف و بازرسی پلیسی در حقوق ایران و انگلستان می‌توان بیان داشت که در هردو نظام حقوقی به‌منظور حسن اجرای قواعد بازرسی، ضمانت‌اجراهای مدنی، انضباطی و کیفری به‌عنوان ضمانت‌اجراهای مشترک، تدارک دیده شده است. درمورد ضمانت‌اجرای بطلان ادله، با مقایسه دو نظام حقوقی، این نتیجه حاصل می‌شود که نهاد بطلان ادله، به‌صورت صریح و به‌موجب حکم کلی در نظام حقوقی انگلستان پیش‌بینی شده است، درحالی‌که در حقوق ایران، بطلان ادله به‌صراحت موردپذیرش قرار نگرفته است و محدود به موارد مصرح قانونی است؛

در پاسخ به سومین سؤال فرعی در باب ظرفیت‌های نظام حقوقی انگلستان در امر بازرسی‌ها برای حقوق ایران می‌توان موارد ذیل را در قالب پیشنهاد برشمرد:

نخست؛ با عنایت به موقعیت جغرافیایی کشور، مدل بومی، عینی، شفاف و عملیاتی آتی‌الذکر درمورد توقف و بازرسی‌های پلیسی در اماکن عمومی به حقوق ایران پیشنهاد می‌شود با این توضیح که با عنایت به اینکه اماکنی که امکان توقف و بازرسی در آنها در سطح کشور وجود دارد به سه منطقه، مناطق داخل شهری، مدخل‌های ورودی شهرها و مناطق مرزی قابل تقسیم هستند. نظر بر اینکه عرفاً افراد مشخصی در این سه منطقه درحال رفت‌وآمد هستند، بازرسی‌ها در مناطق داخل شهری به‌دلیل قوی بودن حمایت از اصل برائت در یک جامعه مدنی و لزوم حفظ کرامت افراد و تجاوز حداقلی به حریم خصوصی افراد در جرایم مشهود می‌تواند بدون نیاز به حکم مقام قضایی و در جرایم غیرمشهود پس از حصول ظن معقول به وقوع یا قریب‌الوقوع بودن جرم به‌موجب حکم موردی مقام قضایی صورت پذیرد. همچنین در این فرض ضروری است که ضابطه ظن معقول به‌صورت شفاف

مورد تبیین قرار بگیرد و بدین منظور از معیارهای نوعی نظیر گزارش ضابطان و گزارش بزه‌دیدگان استفاده شود که هر فرد معقول در فرض وجود این اوضاع و احوال نسبت به وقوع یا قریب‌الوقوع بودن جرم متقاعد شود. در حالی که در مدخل‌های ورودی داخل شهرها لزوم حفظ رویه مذکور دور از تصور نیست، یا اینکه قانونگذار اقدام به وضع قوانین جدید، جهت بازرسی در مدخل‌های ورودی شهرها کند و فرض قانونی را بر مبنای وجود ظن معقول یا ظن قوی قرار دهد و با ارائه تعریفی دقیق از این معیارها باب تفسیر سلیقه‌ای و آشفتگی در برابر قانون را ببندد، در عین حال از کسب اجازه موردی در این مناطق صرف نظر کند و در مناطق مرزی با توجه به اینکه لزوم حفظ امنیت مرزها امری مسلم و ضروری است، همچنین به دلیل اینکه مناطق مرزی توسط خطرات مختلفی از قبیل تروریست‌ها، قاچاقچی‌ها، اشراک و غیره همواره مورد تهدید است و همچنین لزوم حفظ جان مأموران مرزی در برابر این تهدیدات اقتضاء می‌کند که بازرسی‌ها بدون نیاز به حکم موردی و ظن معقول، بر مبنای تشخیص و دستور مقام ارشد قرارگاه مرزی و یا به حکم کلی مقام قضایی انجام شود؛

دوم؛ اگرچه الزام به حضور شهود در بازرسی‌ها در نظام حقوقی هردو کشور با فقدان مقررۀ عام قانونی روبه‌روست و پیش‌بینی مقررۀ قانونی در این زمینه که قابلیت اجرایی داشته باشد خود نیازمند دقت نظر بسیار است با این حال می‌توان حضور شهود در بازرسی از اطفال و نوجوانان در جرایم غیرمشهود را به‌عنوان یک سیاست تقنینی افتراقی بین بزرگسالان و اطفال به حقوق ایران پیشنهاد کرد؛

سوم؛ ایجاد سازکار پذیرش شکایت انتظامی از پلیس توسط افرادی که از رفتار غیرقانونی آن ضرر ندیده‌اند اما شاهد آن بوده‌اند همانند نظام حقوقی انگلستان، از دیگر پیشنهادهایی است که می‌توانند به بازدارندگی از نقض قانون توسط ضابطان و افزایش اعتماد عمومی به پلیس کمک شایانی کند؛

چهارم؛ به منظور تضمین اجرای صحیح قواعد و اصول دادرسی کیفری و رعایت حقوق شهروندی جامعه، به رسمیت شناختن نهاد بطلان ادله در سیستم آیین دادرسی کیفری به موجب قاعده‌ای کلی امری ضروری تلقی می‌شود. نظر بر جوان بودن قانون آیین دادرسی کیفری فعلی، در مقطع کنونی پیشنهاد می‌شود که در رویه قضایی، وحدت رویه‌ای جهت به رسمیت شناختن نهاد بطلان ادله حاصله به روش غیرقانونی حداقل در اقدامات ضابطان به‌ویژه در مواجهه با جرایم حق‌اللهی ایجاد شود؛ با این توضیح که نگارندگان معتقدند که رویه قضایی در برخورد با ادله نامشروع می‌بایست بین جرایم حق‌الناسی و حق‌اللهی و ادله اخباری

و احراز تفکیک قاتل شود. بدیهی است که کشف جرم قتل به شیوه غیرقانونی به حدی حائز اهمیت است که بایستی ادله موجود مورد توجه قرار گیرد؛ با این توضیح که اگر ادله غیرقانونی تحصیل شده، ادله اخباری باشند مانند اقرار یا شهادت یا سوگند ناشی از شکنجه، بی تردید ادله به دست آمده فاقد اعتبار خواهد بود، اما اگر ادله غیرقانونی تحصیل شده، ادله احراز باشد، می تواند قرینه‌ای بر مجرمیت متهم باشد. با این حال در جرایم حق‌اللهمی که اساساً مبتنی بر تخفیف و مسامحه است و حکومت در آن حق عفو دارد، موضوعیت دادن به دلیل تحصیل شده که به واسطه رفتار غیرمجاز ضابطان به دست آمده است، موجب تزلزل حریم خصوصی و ناعادلانه شدن بازی عدالت کیفری در تقابل شهروندان با حاکمیت، به نفع حاکمیت خواهد شد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. ویراست چهارم. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۹.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۰.
- آشوری، محمد. *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*. چاپ سوم. تهران: نشر گرایش، ۱۳۹۴.
- آشوری، محمد. *حقوق کیفری شورای اروپا*. تهران: نشر گرایش، ۱۳۹۴.
- باقری‌نژاد، زینب. *اصول آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
- حیدری، الهام و محمدجواد فتحی. «گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان». *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز* ۶(۲) (۱۳۹۲): ۳۲-۱.
- حیدری، الهام. «حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان». *دیدگاه‌های حقوق قضایی* ۲۰(۷۱) (۱۳۹۴): ۵۳-۲۷.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سی و یکم. ویرایش دوازدهم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
- خالقی، علی. *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ هفتم. ویرایش دوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
- خبرآنلاین. «۲۱ راه برای اینکه طعمه مأمورنماها نشویم؟! قدم اول، مطالبه حقوق شهروندی و احراز هویت مأمور». ۲ فروردین ۱۳۹۴. <http://www.khabaronline.ir/detail/405586/society/Police>. (آخرین بازدید ۱ خرداد ۱۳۹۷).
- خبرگزاری فارس. «مأموران پلیس موظف به ارائه کارت شناسایی هستند». ۸ آبان ۱۳۹۲. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920808000980>. (آخرین بازدید ۱ خرداد ۱۳۹۷).
- خیاطی گرگری، ماهدیس. *شرایط مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و انگلیس*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
- رحمدل، منصور. «حق انسان بر حریم خصوصی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۷۰(۰) (۱۳۸۴): ۱۴۵-۱۱۹.
- رحیمی، حبیب‌الله، ماهدیس خیاطی گرگری. «نقش زیان‌دیده در مسئولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)». *پژوهش حقوق خصوصی* ۵(۱۷) (۱۳۹۵): ۴۰-۹.
- زراعت، عباس. *بطلان در آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- ساریخانی، عادل. «پلیس و کشف جرم در حریم خصوصی». *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی* ۱۲(۱) (۱۳۹۶): ۱۷۴-۱۵۱.
- سیدتاج‌الدینی، علی. *حقوق شهروندی متهمان با رویکرد پیشگیری از ضرب و جرح*. چاپ اول. تهران:

انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا، ۱۳۸۹.

شاکری، ابوالحسن، مسعود قاسمی. «پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی ۱۸ (۷۰) (۱۳۹۵): ۱۰۲-۸۳.

صادق‌پور، ناهید. «نقش پلیس در فرایند دادرسی کیفری در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰.

صادق‌منش، جعفر. ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها). چاپ اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴.

طهماسبی، علی. «دستور دادرسی گروهی در حقوق انگلیس، با نگاهی به حقوق آمریکا و ایران». مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران ۸ (۱) (۱۳۹۶): ۲۴۷-۲۲۷.

عباسلو، بختیار. «مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری». فصلنامه دانش انتظامی ۱۲ (۱۳۸۹): ۱۳۰-۸۷.

فرجی‌ها، محمد، محمد مقدسی و امین آقایی. «معیارهای قانونی ناظر بر بازرسی‌های پلیسی در نظام‌های کیفری مختلف». فصلنامه علمی - ترویجی کارآگاه ۱۳ (۲) (۱۳۹۱): ۲۱-۶.

کتابخانه مدرسه فقهات. <http://lib.eshia.ir/13055/1/161> (آخرین بازدید ۱۱ خرداد ۱۳۹۷).

کوشا، جعفر، مصطفی پاک‌نیت. «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی». مجله حقوقی دادگستری ۸۱ (۹۷) (۱۳۹۶): ۵۲-۲۹.

گل‌محمدی خامنه، علی. مبانی امور انتظامی. تهران: معاونت امور آموزشی ناجا، ۱۳۸۶.

معاونت قضایی و حقوقی اداره کل حقوقی. نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح (حقوق جزای عمومی). جلد چهارم. تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۹۱.

مقیم، مهدی، مرتضی نیازخانی. «حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس». مجله کارآگاه ۱۳ (۲) (۱۳۸۹): ۱۲۴-۹۲.

مؤذن‌زادگان، حسنعلی و سحر سهیلی مقدم. «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق آمریکا)». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران ۳ (۲) (۱۳۹۵): ۲۶۷-۲۴۳.

مؤسسه دانشنامه پلیس. «بازرسی بدنی». آخرین بازدید ۲۳ خرداد ۱۳۹۷.

<http://wiki.police.ir/?siteid=29&fkeyid=&siteid=29&pageid=4159>

ناجی‌زواره، مرتضی. دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری. چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

ب. منابع خارجی

BBC. "Bijan Ebrahimi: Police 'Failed' Murdered Man for Years." Last Visited October 7, 2018. www.mirror.co.uk/news/uk-news/man-awarded-13000compensation-wrongful-4961456, last visit: 1396/7/15.

Bowling, Ben and Coretta. "Disproportionate and Discriminatory: Reviewing the Evidence on Police Stop and Search." *The Modern Law Review Limited* 70(6) (2007):

936-961.

Bowling, Ben, Coretta Phillips. "Disproportionate and Discriminatory: Reviewing the Evidence on Police Stop and Search." *The Modern Law Review Limited* 70(6) (2007): 936-961.

Delsol, Rebekah, *Michael Shiner. Stop and Search the Anatomy of a Police Power*. First Published. London: Palgrave Macmillan, 2015.

Docking, Neil. "Man awarded £13,000 compensation for wrongful arrest - then cops re-arrest him and take cash." 2015/01/11. <http://www.mirror.co.uk/news/uk-news/man-awarded-13000compensation-wrongful-4961456> (Last Visited October 7, 2017).

Elizabeth A, Martin. *A Dictionary of Law*. 5th Edition. London: Oxford University Press, 2002.

Ethnicity Facts and Figures. "Stop and Search." Last Visited September 29, 2018. www.ethnicity-facts-figures.service.gov.uk/crime-justice-and-the-law/policing/stop-and-search/latest.

Garner, Bryan. *Black's Law Dictionary*. Ninth Edition. U.S.A: West Publishing Corporation, 2009.

Liyod, Leonard Jason. *An Introduction to Policing and Police Powers*. 2nd Ed. Britain: Cavendish Publishing, 2005.

Stone, R. "Exclusion of Evidence under Section 78 of the Police and Criminal Evidence Act: Practice and Principle." *Web Journal of Current Legal Issue* 3 (1995), Last visited May 22, 2018. www.worldlawbook.com/attachments/312.pdf.

Swarb. "Hussien v Chong Fook Kam: PC 7 Oct 1969." Last Modified July 15, 2019. <http://swarb.co.uk/hussien-v-chong-fook-kam-pc-7-oct-1969>.

The Guardian. "Abuse of Stop and Search Powers is a Crime, Says Lawrence Inquiry Adviser." Last Visited October 15, 2018. <https://www.theguardian.com/law/2012/jan/07/abuse-stop-search-crime-police>.

The Guardian. "Bijan Ebrahimi Case: Police Officers Dismissed for Misconduct." Last Visited October 15, 2018. <https://www.theguardian.com/uk-news/2016/jan/22/bijan-ebrahimi-case-avon-somerset-police-officers-dismissed-misconduct>.

The Guardian. "Council Officials Face Investigation over Bijan Ebrahimi Case." Last Visited October 15, 2018. <https://www.theguardian.com/uk-news/2018/jan/15/council-officials-face-investigation-over-bijan-ebrahimi-case>.

The Guardian. "Stop and Search Eight Times More Likely to Target Black People." Last Visited September 29, 2018. <https://www.theguardian.com/law/2017/oct/26/stop-and-search-eight-times-more-likely-to-target-black-people>.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 2

2019-2

- **Comparative Study of Stop and Search by Police in Public Places in Iran and England Legal Systems**
Dr. Gholamhassan Kooshki & Peyman Dolatkhahpashakie
- **Liability of Vehicle Owners against Third Parties such as Civil or Criminal Liability?**
Dr. Nasroallah Jafari Khosroabadi & Mina Salemi
- **Heading a Criminal Gang and Aggravation of Punishment**
Dr. Mansour Rahmdel
- **“Invention” of the Custom or Only a “Transformation” in the Way of Recognition?**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh
- **Analyzing the Content of Kimia TV Serials from the Perspective of Family Violence**
Rabeae Nazarpour Hamedani & Dr. Batoul Pakzad
- **Basics and the Realm of the Teachings of New Penology on the Juvenile Delinquency; with an Adaptive Approach to the Criminal Justice Systems of Iran and the United States**
Ali Davoudi Salestani & Dr. Seyyed Hossein Hashemi
- **The International Documentary Approach to the Victims of the Crime of Forced Disappearance**
Dr. Jamal Beigi & Hiva Alipour
- **Right Realist Criminology, Backgrounds and Looks**
Ayoub Nourian Dr. Gholamreza Mohammadnasl & Dr. Nader Norouzi
- **International Organizations Participation in Preliminary Examination in International Criminal Court**
Sahar Poorhassan Ziveh & Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi & Dr. Hamidreza Javidzadeh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study